

توافق هسته‌ای؛ برآوردی متن‌محور

مهدی شاپوری*

مقدمه

بعد از ۱۳ سال اختلاف و کشمکش میان ایران از یک سو و قدرت‌های جهانی و برخی نهادهای بین‌المللی از سوی دیگر و همچنین پس از دو سال مذاکره فشرده و سخت میان ایران و ۵+۱ (پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان)، در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵ میلادی) توافق جامعی برای پایان‌دادن به تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای ایران حاصل شد. این توافق که عنوان آن «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) است، بعد از طی نمودن مقدمات پیش‌بینی شده، در اواخر دی‌ماه ۱۳۹۴ (ژانویه ۲۰۱۶) به اجرا گذاشته شد. جدا از نگرش مثبت یا منفی به توافق هسته‌ای و پیامدهای آن، در میان سیاست‌مداران و کارشناسان این اجماع وجود دارد که برجام توافق بسیار مهمی در روابط بین‌الملل است. برخی آن را «توافق قرن» یا «توافقی تاریخی» و در مقابل، عده‌ای آن را «فاجعه قرن» یا «فاجعه‌ای تاریخی» نامیده‌اند و این نشان از اهمیت برجام در دیدگاه هر دو طیف موافقان و مخالفان دارد. صرف نظر از اینکه مخالفان و موافقان تا چه اندازه در مورد برجام و پیامدهای آن اغراق می‌کنند، باید توجه داشت که این توافق در نوع خود، ویژه و خاص است و هیچ مورد مشابهی برای آن وجود ندارد.

علاوه بر این، طبق یکی از بندهای موجود در بخش «مقدمه و مفاد عمومی» آن، این توافق رویه یا سابقه‌ای «برای دولت‌های دیگر یا اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حقوق و تعهدات معاهده عدم اشاعه هسته‌ای (ان. پی. تی) و سایر اسناد مربوطه و همچنین اصول و عرف‌های شناخته‌شده بین‌المللی» ایجاد نمی‌کند و قرار است برای همیشه ویژه و خاص بماند. به هر حال، نگرش توافقی با این درجه از اهمیت، کار سخت و پیچیده‌ای

بوده است. هر مفهوم، واژه یا عبارتی می‌توانست محل اختلاف باشد. بدینی عمیق دولت‌های طرف مذاکرات به خصوص ایران و آمریکا نسبت به همدیگر و نیز رصد همراه با حساسیت زیاد مذاکرات و توافق توسط مخالفان، منتقدان و افکار عمومی، دشواری نگارش متن توافق را چندین برابر افزایش می‌داد. در چنین شرایطی، تلاش طرفین مذاکرات بر نگارش متنی با ظرافت و دقت بسیار بالا و مبتنی بر محاسبات دقیق و همه‌جانبه متمرکز بوده است. هر آنچه در متن توافق نوشته شده و هر تعهدی که طرفین پذیرفته‌اند، محصول روزها و ساعت‌ها کار کارشناسی و مذاکره و چانه‌زنی فنی و سیاسی چه در میز مذاکرات و چه در پشت صحنه و از همه مهم‌تر در محافل کارشناسی، سیاسی و تصمیم‌گیری کشورهای طرف مذاکرات به ویژه ایران و آمریکاست.

در مجموع، به نظر می‌رسد محتوای متن توافق هسته‌ای، با توجه به شرایط و وضعیت موجود، دستاورد بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران است. در واقع، امتیازاتی که ایران در این توافق به دست آورده، اگر در بافتاری زمانی و چارچوبی کلان و همه‌جانبه‌نگر دیده شوند، به این سخن یکی از مقامات ارشد مذاکره‌کننده ایرانی در مذاکرات هسته‌ای با ۵+۱ خواهیم رسید که در مورد توافق هسته‌ای عنوان کرده است: «در تمام بندهای آن، ما نهایت آنچه را ممکن بوده است گرفته‌ایم. هیچ‌جا در هیچ بندی نمی‌توانید جایی پیدا بکنید که انعطاف بیشتر طرف مقابل ممکن باشد. ما برای بند بند این توافق تا آنجا که ممکن بود در مرز شدن و نشدن جنگیده‌ایم. بنابراین، این توافق ممکن‌ترین توافقی است که قابل حصول بوده است. این مسئله هم برای ما و هم برای طرف مقابل مصداق دارد» (حمید بعیدی‌نژاد در گفتگو با سالنامه ۱۳۹۵ روزنامه اعتماد).

البته، این به معنای آن نیست که ایران در این توافق امتیازی نداده است. حتی خود اعضای ارشد مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران نیز چنین دیدگاهی ندارند. آقای ظریف در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۹۴ در جریان سخنرانی در مجلس شورای اسلامی گفت: «ما هیچ‌گاه ادعا نکرده و نمی‌کنیم که برنامه جامع اقدام مشترک کاملاً به نفع ایران است. باز تأکید می‌کنم که مذاکره اصولاً یک‌بده-بستان است و تا زمانی که هر دو طرف به میزان قابل قبولی از خواسته‌های خود نرسیده باشند، هیچ توافقی شکل نمی‌گیرد. مسلماً ما برای رسیدن به خواسته‌های خود، در حوزه محدودیت‌ها و نظارت‌ها انعطاف‌ها و نرمش‌هایی داشته‌ایم» (خبرگزاری تابناک، ۳۰ تیر ۱۳۹۴). با وجود این، وزیر امور خارجه بلافاصله به نکته بسیار مهم و ظریفی اشاره می‌کند: «اما این انعطاف‌ها همگی هدفمند و با محاسبه کافی صورت گرفته است، همچون کشتی‌گیری که در مثال حکیمانه مقام معظم رهبری، برای برنده‌شدن در مسابقه در زمان و مکان مناسب برای تثبیت امتیازهای بزرگ‌تر تن به امتیازهای کوچک‌تر می‌دهد؛ اما همه می‌دانند آنچه مهم است نتیجه نهایی است و دستی که نهایتاً به علامت پیروزی به بالا می‌رود» (خبرگزاری تابناک، ۳۰ تیر ۱۳۹۴).

1. context

۲. مدیر کل اداره امور خلع سلاح و مدیر کل سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و رئیس گروه کارشناسی هیئت مذاکره‌کننده ایرانی را در مذاکرات هسته‌ای با ۵+۱

در این نوشتار، با بررسی سند برجام و دیگر اسناد مرتبط با توافق جامع هسته‌ای از جمله قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، گزارش «ارزیابی نهایی گذشته و حال موضوعات اصلی برنامه هسته‌ای ایران» آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قطعنامه شورای حکام که به بررسی مسئله «موضوعات حال و گذشته» یا «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران پایان داد، تلاش می‌شود ارزیابی متن محوری از محتوای این توافق ارائه شود. ارائه برآوردی جامع‌تر و دقیق‌تر از محتوای توافق هسته‌ای، مستلزم بررسی و ارزیابی ابعاد هسته‌ای، اقتصادی، حقوقی و نظامی این توافق به صورت مجزاست. بنابراین، در این راستا تلاش می‌شود هر کدام از این ابعاد، به صورت متمایز و جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب شکلی برجام

برنامه جامع اقدام مشترک، توافقی ۱۵۹ صفحه‌ای است؛ شامل ۲۰ صفحه متن اصلی و ۵ پیوست که مجموعاً ۱۳۹ صفحه است. در متن اصلی، ۵ صفحه به دو بخش «دیپاچه» و «مقدمه و مفاد عمومی» اختصاص دارد. در این دو بخش، مانند هر توافق یا قرارداد دیگری، به کلیات توافق اشاره شده است. در ۱۵ صفحه دیگر نیز در چهار محور (هسته‌ای، تحریم‌ها، نقشه اجرایی و مکانیزم حل مناقشه) به مفاد توافق و تعهدات طرفین آن پرداخته شده است. پیوست‌ها هم شامل این موارد می‌شوند؛ پیوست اول: اقدامات مرتبط با هسته‌ای^۱ که در آن مسائل تکنیکی و تعهدات هسته‌ای توافق بیان شده‌اند؛ پیوست دوم: تعهدات مرتبط با تحریم‌ها^۲ که در برگیرنده تعهدات مربوط به رفع تحریم‌های هسته‌ای و چگونگی آن می‌شود؛ پیوست سوم: همکاری هسته‌ای غیرنظامی^۳ که شامل تعهدات و تسهیلات مربوط به همکاری هسته‌ای در زمینه‌های صلح‌آمیز میان جمهوری اسلامی ایران و جامعه جهانی به ویژه گروه ۱+۵ است؛ پیوست چهارم: کمیسیون مشترک^۴ که در آن به مسائلی همچون ترکیب این کمیسیون، کارکردها، رویه‌ها و تصمیمات آن و نیز کارگروه خرید^۵ و کارگروه اجرای رفع تحریم‌ها^۶ پرداخته شده است؛ و پیوست پنجم: نقشه اجرا^۷ که حاوی برنامه زمان‌بندی اجرای برجام (شامل روز نهایی شدن^۸، روز پذیرش^۹، روز اجرا^{۱۰}، روز انتقال^{۱۱} و روز خاتمه قطعنامه شورای امنیت^{۱۲}) است.

1. Nuclear-related measures
2. Sanctions-related commitments
3. Civil Nuclear Cooperation
4. Joint Commission
5. Procurement Working Group
6. Working Group on Implementation of Sanctions Lifting
7. Implementation Plan

۸. Finalisation Day: روزی که برجام نهایی شد.

۹. Adoption Day: روزی که برجام به تأیید طرفین رسید.

۱۰. Implementation Day: روزی که برجام به اجرا گذاشته شد.

۱۱. Transition Day: هشت سال بعد از روز پذیرش برجام.

۱۲. UNSCR Termination Day: ده سال بعد از روز پذیرش برجام.

انتظارات از برجام

آن‌گونه که در «دییاجه» و «مقدمه و مفاد عمومی» برجام آمده، طرفین «برنامه جامع اقدام مشترک» بر آن هستند که اجرای کامل این برنامه «به شکل مثبتی به صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی کمک خواهد کرد». در واقع این انتظار بر پایه پاسخی است که برجام به خواسته‌ها و انتظارات طرفین خود می‌دهد. این برنامه به ایران «اجازه خواهد داد تا در راستای ملاحظات علمی و اقتصادی برنامه هسته‌ای بومی و صرفاً صلح‌آمیزی را با هدف اعتمادسازی و تشویق همکاری‌های بین‌المللی به پیش ببرد» که در چارچوب آن، «برنامه هسته‌ای ایران از جمله فعالیت‌های غنی‌سازی آن برای دستیابی به یک برنامه تجاری با مقاصد منحصراً صلح‌آمیز و همسو با هنجارهای عدم اشاعه هسته‌ای، با سرعتی معقول به صورت تدریجی» رشد خواهد کرد. در مقابل، برنامه جامع اقدام مشترک این امکان را برای گروه ۵+۱ (یا ۳+۳) و جامعه بین‌المللی فراهم می‌آورد تا «در مورد ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران به اطمینان برسند». این کار از طریق «ابزارهای جامع شفافیت‌زا و راستی‌آزمایی که نگرانی‌های گروه ۳+۳ (۵+۱) را مد نظر قرار می‌دهد» صورت خواهد گرفت.

علاوه بر این، بر اساس آنچه در «دییاجه» و «مقدمه و مفاد عمومی» برجام آمده، این توافق «همه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و همچنین تحریم‌های چندجانبه و ملی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را رفع می‌کند که شامل اقداماتی از جمله دسترسی به تجارت، فناوری، امور مالی و انرژی می‌شود». در مورد تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، «گروه ۵+۱ پیشنهاد قطعنامه‌ای که تأییدکننده این برنامه جامع اقدام مشترک باشد ارائه خواهد داد که تأکید نماید این برنامه نشانگر تغییری اساسی در ملاحظات شورای امنیت درباره این موضوع و بیانگر تمایل آن به ایجاد روابط نوین با ایران است. این قطعنامه شورای امنیت شامل لغو تمامی مفاد قطعنامه‌های سابق شورا، ایجاد برخی محدودیت‌های خاص و خاتمه بررسی موضوع هسته‌ای ایران در شورای امنیت، ۱۰ سال پس از روز توافق خواهد بود». برای رسیدن به این اهداف و برآورده نمودن این انتظارات، «گروه ۵+۱ ایران متعهد می‌شوند برجام را با حسن نیت و در فضایی سازنده، بر مبنای احترام متقابل، اجرا کنند و از هر گونه اقدامی مغایر با نص، روح و هدف آن که مانع اجرای موفقیت‌آمیز آن شود، خودداری نمایند».

بر اساس یکی از بندهای «مقدمه و مفاد عمومی»، «از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخواست خواهد شد اقدامات داوطلبانه مرتبط با موضوع هسته‌ای را طبق آنچه در برجام آمده، نظارت و راستی‌آزمایی کند» و در این مورد گزارش‌های به‌روزی را به شورای حکام و شورای امنیت، البته به شیوه‌ای که برجام مشخص می‌کند، ارائه دهد. همچنین، کمیسیون مشترکی «متشکل از دولت‌های گروه ۵+۱ و ایران، برای نظارت بر اجرای برجام ایجاد خواهد شد و مسائل پیش‌بینی شده در این توافق را بر عهده خواهد گرفت. این کمیسیون به موضوعاتی که در فرآیند اجرای برجام پیش می‌آیند رسیدگی خواهد کرد». در واقع، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کمیسیون مشترک، دو مکانیزمی هستند که انتظارات طرفین برجام از اجرای تعهدات را پیگیری می‌کنند.

ابعاد هسته‌ای برجام

در برنامه جامع اقدام مشترک، حق غنی‌سازی اورانیوم برای جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است. برخی معتقدند به صراحت به این حق اعتراف نشده؛ یعنی بند یا عبارتی با این عنوان که «گروه ۵+۱ حق غنی‌سازی را برای ایران به رسمیت می‌شناسد» در توافق برجام وجود ندارد. از آنجا که چنین عبارتی یا مشابه آن در این توافق نیامده، این موضوع تا حدودی می‌تواند درست باشد، اما باید توجه داشت که در متن توافق و ضمایم آن ۱۰۹ مرتبه از واژه غنی‌سازی استفاده شده که در بیشتر موارد متضمن پذیرش حق غنی‌سازی برای جمهوری اسلامی ایران است. در مواردی این پذیرش به اندازه‌ای مسلم و بدیهی است که حتی می‌توان گفت حق غنی‌سازی در برجام، مفروض است و پذیرش آن، یکی از بنیادهای اصلی مذاکرات و توافق به شمار می‌رود. نباید فراموش کرد که مذاکرات هسته‌ای برای دستیابی به توافق جامع زمانی شروع شد که آمریکا حق غنی‌سازی اورانیوم را برای جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخت. به هر حال اینکه ایران طبق برجام می‌تواند ۵۰۶۰ سانتریفیوژ فعال در نطنز داشته باشد و با آن‌ها غنی‌سازی ۳/۶۷ درصد انجام دهد و ۳۰۰ کیلوگرم از حجم غنی‌سازی به این میزان را در خاک خود ذخیره داشته باشد و همچنین، اینکه پذیرفته شده که ایران بعد از ۱۰ تا ۱۵ سال می‌تواند به صورت تدریجی و با سرعتی معقول فعالیت‌های هسته‌ای خود در زمینه‌های مختلف از جمله غنی‌سازی و تحقیق و توسعه را ارتقا دهد، چیزی جز پذیرش حق غنی‌سازی برای کشورمان را به ذهن متبادر نمی‌کند. این بزرگ‌ترین دستاورد هسته‌ای و در ضمن یکی از ارزشمندترین دستاوردهای سیاسی و راهبردی توافق هسته‌ای برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. طی بیش از یک دهه گذشته، با هدف توقف غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران، فشارهای گسترده‌ای بر کشورمان وارد شد. شاه‌بیت تمام قطعنامه‌های سنگینی که شورای امنیت در طول نزدیک به یک دهه گذشته علیه ایران وضع نموده، لزوم توقف غنی‌سازی اورانیوم از سوی جمهوری اسلامی ایران است. اینکه ایران تسلیم این فشارها و قطعنامه‌ها نشده و نهایتاً طرف مقابل پذیرفته است همان چیزی را که سال‌ها بر آن به مثابه خط قرمز خود تأکید می‌کرده، برای کشورمان به رسمیت بشناسد، بسیار مهم است. البته، محدودیت‌های زمان‌داری نیز بر حق غنی‌سازی ایران وضع شده است. این محدودیت‌ها عبارتند از ۱. ایران به مدت ۱۰ سال با ۵۰۶۰ سانتریفیوژ IR1 غنی‌سازی خواهد کرد؛ ۲. در طول ۱۵ سال آینده، سطح غنی‌سازی ایران ۳/۶۷ خواهد بود؛ ۳. به مدت ۱۵ سال، انباشت اورانیوم غنی‌شده ۳/۶۷ درصد در خاک ایران نباید بیش از ۳۰۰ کیلوگرم باشد. البته، این محدودیت‌ها، دائمی نبوده و زمان‌دار هستند و بعد از مهلت‌های مقرر شده، برداشته خواهند شد. در ضمن، این محدودیت‌ها هیچ خسارتی به روند فعالیت‌های هسته‌ای ایران نمی‌زنند، چون طبق توافق، ایران باید بتواند نیازهای خود در این زمینه را از بازارهای بین‌المللی تأمین کند. ایران همچنین، تمامی تأسیسات هسته‌ای خود را حفظ می‌کند. طبق برجام، ایران هیچ کدام از تأسیسات هسته‌ای خود را نه از بین می‌برد و نه پلمب می‌کند. در نطنز همچنان غنی‌سازی و تحقیق

و توسعه صورت خواهد گرفت. رآکتور آب سنگین اراک با اعمال برخی تغییرات که تنها از میزان تولید پلوتونیوم آن می‌کاهد، به روند کار خود ادامه داده و تکمیل خواهد شد و در ضمن به تکنولوژی‌های مناسب‌تر و به‌روزتری مجهز خواهد گشت. ماهیت آب سنگین این رآکتور باقی می‌ماند. البته، آب سنگین اضافه بر نیاز، انباشت نخواهد شد و در بازارهای بین‌المللی به فروش خواهد رسید. در مورد فوردو که طرف مقابل بسیار به آن حساس بود و تأکید زیادی داشت که باید برچیده شود، نیز در نهایت تصمیم گرفته شد که نه تنها این مرکز باز بماند و در زمینه تحقیقات هسته‌ای فعالیت کند، بلکه بیش از ۱۰۰۰ سانتریفیوژ آماده فعالیت نیز در آن باقی بماند تا در شرایط اضطراری، کشور دچار غافل‌گیری نشود. همچنین، محدودیت‌ها در مورد غنی‌سازی و تحقیق و توسعه در فوردو ۱۵ ساله است و بعد از آن، این مرکز می‌تواند به صورت عادی درآید و به فعالیت‌های مختلف بپردازد.

در ضمن، از ۱۰۴۴ سانتریفیوژی که در فوردو باقی خواهد ماند، قرار است «دو آبخار به تولید ایزوتوپ‌های پایدار» اختصاص یابد که هرچند ممکن است به لحاظ فنی اهمیت زیادی نداشته باشد، ولی ارزش نمادین بالایی دارد. البته این به لحاظ سیاسی نیز ارزشمند است. به هر حال، ایران در شرایطی همه تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای خود را حفظ می‌کند که رئیس‌جمهور آمریکا در دسامبر ۲۰۱۳ در جریان سخنرانی در مرکز سابان مؤسسه بروکینگز درباره برنامه هسته‌ای ایران گفته بود: «اگر گزینه‌ای داشتیم، اگر می‌توانستیم گزینه‌ای خلق کنیم که با استفاده از آن تمامی پیچ و مهره‌های برنامه هسته‌ای آن‌ها را از میان برداریم و امکان داشتن برنامه هسته‌ای را [از آن‌ها] بگیریم و از این طریق، از شر همه ظرفیت‌های نظامی آن خلاص شویم، من آن را انتخاب می‌کردم؛ اما متأسفانه من می‌خواهم همه این را بفهمند که چنین گزینه خاصی وجود ندارد» (The White House, December 07, 2013).

در مورد رآکتور آب سنگین اراک، ایران محدودیت‌هایی را پذیرفته است. طبق توافق، این رآکتور بازطراحی می‌شود و هسته مرکزی آن (کالاندریا) به گونه‌ای اصلاح می‌شود که امکان تولید پلوتونیوم آن کاهش می‌یابد (با این تغییر، به جای اینکه سالانه توان تولید ۱۰ کیلوگرم پلوتونیوم داشته باشد، کمتر از یک کیلوگرم از این ماده را تولید خواهد کرد). تولید پلوتونیوم عمدتاً کاربرد نظامی دارد؛ یعنی با استفاده از ۸ کیلوگرم از آن، می‌توان یک بمب اتم ساخت. کشوری که قصد تولید سلاح هسته‌ای را نداشته باشد، نیازی به پلوتونیوم ندارد. در توافق جامع، نیاز ایران به آب سنگین قبل از راه‌اندازی رآکتور اراک، ۱۳۰ تن و پس از راه‌اندازی آن با احتساب مقدار آب سنگین داخل رآکتور مدرن اراک، ۹۰ تن برآورد شده است. به این ترتیب، آب سنگین مازاد انباشت نخواهد شد و آن‌گونه که در توافق آمده، «تمام آب سنگین اضافی برای صادرات در بازارهای بین‌المللی عرضه خواهد شد». بعد از ۱۵ سال محدودیت ذخیره آب سنگین در ایران برداشته خواهد شد.

ایران به تحقیق و توسعه ادامه خواهد داد. طبق توافق جامع، ایران در طول ۱۰ سال آینده، بر روی ماشین‌های IR-4، IR-5، IR-6 و IR-8 فعالیت‌های تحقیق و توسعه انجام خواهد داد. در پایان سال

هشتم، کشورمان شروع به ساخت تعدادی از دستگاه‌های سانتریفیوژ IR-6 و IR-8 بدون روتور خواهد کرد. همچنین یک و نیم سال مانده به پایان ۱۰ سال، ایران می‌تواند ۳۰ دستگاه سانتریفیوژ IR-6 و IR-8 را آزمایش کند. در پایان ۱۰ سال، IR-6 و IR-8 تکمیل می‌شوند و سالانه ۲۰۰ عدد از هر کدام از دو نوع سانتریفیوژ تولید خواهد شد. به نقل از رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، توان غنی‌سازی سانتریفیوژ IR-8، ۲۴ سو است (Albright, September 23, 2014)؛ یعنی این سانتریفیوژ ۲۴ برابر سانتریفیوژهای کنونی ایران (IR-1) غنی‌سازی می‌کند. با این حساب، ۱۰ هزار سانتریفیوژ IR-8 به میزان ۲۴۰ هزار سو غنی‌سازی تحویل ایران می‌دهد و این میزان ۵۰ هزار سو بیشتر از ۱۹۰ هزار سویی است که رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌هایشان فرموده بودند تا چند سال آینده مورد نیاز ایران است.

این هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ ایمنی برای ایران بسیار به صرفه‌تر از آن است که بخواهد ۱۹۰ هزار سانتریفیوژ IR-1 نصب کند تا ۱۹۰ هزار سو غنی‌سازی از آن به دست آورد. در ضمن، اینکه در توافق جامع، حق تحقیق و توسعه برای ایران به رسمیت شناخته شده، خود یک پیروزی بزرگ است؛ چراکه در تمام قطعنامه‌های سابق شورای امنیت و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران، در کنار درخواست برای توقف فعالیت‌های غنی‌سازی، از جمهوری اسلامی ایران خواسته شده تحقیق و توسعه را نیز متوقف نماید. در هر ۶ قطعنامه تحریمی شورای امنیت علیه ایران در بحث هسته‌ای (۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹)، بندی تحت این عنوان وجود دارد: «ایران باید همه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازآوری، شامل تحقیق و توسعه که توسط آژانس تأیید شده را تعلیق نماید» (Arms Control Association, October 2015). به هر حال، با پذیرش حق تحقیق و توسعه برای جمهوری اسلامی ایران در برجام، صنعت هسته‌ای ایران به مرور تکامل می‌یابد و کشورمان در آینده می‌تواند در زمینه فناوری‌های هسته‌ای به وضعیت روز این صنعت در دنیا برسد.

البته، در زمینه تحقیق و توسعه نیز محدودیت‌های مقطعی و زمان‌داری وضع شده است. طبق آنچه در متن برنامه جامع اقدام مشترک آمده، «تحقیق و توسعه غنی‌سازی ایران با اورانیوم برای مدت ۱۰ سال صرفاً شامل ماشین‌های IR-4، IR-5، IR-6 و IR-8 خواهد بود». همان‌گونه که عنوان شد، در پایان سال هشتم، ایران آغاز به ساخت تعدادی از دستگاه‌های سانتریفیوژ IR-6 و IR-8 بدون روتور خواهد کرد و یک و نیم سال مانده به پایان ۱۰ سال، می‌تواند ۳۰ دستگاه سانتریفیوژ IR-6 و IR-8 را آزمایش نماید. در پایان ۱۰ سال، IR-6 و IR-8 تکمیل می‌شوند و از آن به بعد ایران سالانه ۲۰۰ عدد از هر کدام این دو نوع سانتریفیوژ را تولید خواهد کرد. طبق بند ۵۳ پیوست یکم برجام، بعد از ۱۰ سال از روز پذیرش توافق «ایران شروع به نصب زیرساخت‌های ضروری برای IR-8 در سالن B نطنز خواهد کرد». به هر حال، همه این محدودیت‌ها مقطعی هستند و در محدوده زمانی خاصی اجرا و سپس برداشته می‌شوند و فرصت مناسبی برای توسعه تدریجی فعالیت‌های هسته‌ای ایران در راستای برنامه هسته‌ای تجاری فراهم خواهد شد.

در توافق جامع، امکان همکاری هسته‌ای بین‌المللی برای ایران فراهم شده است. رآکتور آب سنگین اراک از طریق «مشارکتی بین‌المللی متشکل از ۵+۱ و ایران که ممکن است بعدها گسترش پیدا کند و شامل کشورهای ثالثی که با رضایت طرفین تعیین می‌شوند نیز گردد، بازسازی و بازطراحی خواهد شد». در ضمن «ایران به عنوان مالک و مدیر پروژه، نقش رهبری این کار را ایفا خواهد نمود و مسئولیت کلیت پروژه مدرنیزاسیون اراک را بر عهده خواهد داشت». راه‌اندازی دو آبشار تولید ایزوتوپ‌های پایدار در فوردو نیز «با همکاری مشترک فدراسیون روسیه و ایران، بر اساس ترتیبات دوجانبه مورد توافق آن‌ها» صورت خواهد گرفت. همچنین، در برجام امکان بهره‌برداری از طیف نسبتاً وسیعی از همکاری‌های بین‌المللی برای ایران فراهم شده است، از جمله دستیابی به رآکتورهای پیشرفته تحقیقاتی و قدرتی آب سبک، رسیدن به استانداردهای بین‌المللی در زمینه تولید سوخت هسته‌ای، همکاری در زمینه فعالیت‌های تحقیق و توسعه به ویژه در حوزه تعاملات علمی وسیع بین ایران و ۵+۱، کمک به ایران در بحث ایمنی هسته‌ای و کمک به ایران در ارتقاء پزشکی هسته‌ای، مدیریت پسماندها و از کار اندازی تأسیسات هسته‌ای.

آنچه اهمیت همکاری‌های بین‌المللی را برای جمهوری اسلامی ایران افزون‌تر می‌کند این است که تا پیش از توافق اولیه در دولت یازدهم، از ایران خواسته می‌شد فعالیت‌های هسته‌ای خود را تعلیق کند و حالا با برجام، حتی در برخی موارد، طرف مقابل ایران (۵+۱) ملزم شده در زمینه‌هایی مانند بازطراحی رآکتور اراک و همچنین ایمنی هسته‌ای، با کشورمان همکاری نماید. خود مسئله ایمنی هسته‌ای بحث بسیار مهمی است. تکنولوژی‌ها و مواد هسته‌ای، بسیار حساس هستند و هر گونه اشتباه یا نقصی در به‌کارگیری و استفاده از آن‌ها می‌تواند حوادث فاجعه‌باری، مانند حادثه چرنوبیل، خلق کند. آقای عباسی، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی، اخیراً در مصاحبه‌ای عنوان کرده که تحریم، کانال‌های خرید ما را تنگ می‌کند و باعث می‌شود تلاش کنیم از جاهای خاصی (بازار سیاه) نیازمان را تأمین کنیم. در اینجا سرویس‌های خارجی امنیتی می‌توانند این مبادلات را کنترل و حتی مدیریت کنند و به این ترتیب، شرایط را برای جاسوسی و خرابکاری در تأسیسات کشورمان فراهم نمایند (خبرگزاری فارس، ۷ تیر ۱۳۹۴).

معاون امنیت و حفاظت سازمان انرژی اتمی و رئیس این سازمان یعنی علی‌اکبر صالحی، در چندین مورد خبر از کشف و خنثی‌سازی خرابکاری‌های گسترده در تأسیسات هسته‌ای ایران را داده‌اند (خبرگزاری ایرنا، ۳ شهریور ۱۳۹۳؛ خبرگزاری فارس، ۱۴ مهر ۱۳۹۲). این یعنی اینکه ایران در زمینه ایمنی هسته‌ای می‌تواند آسیب‌پذیر باشد. خساراتی که گفته می‌شود حمله سایبری استاکس نت در اواخر ۲۰۰۹ و اوایل ۲۰۱۰ به تأسیسات هسته‌ای نطنز به ویژه سانتر فیزوژهای فعال در این مجموعه وارد نموده است (Albright et al, December 22, 2010) و وجود شواهدی مبنی بر اینکه دولت آمریکا طرح حمله سایبری بزرگ دیگری علیه ایران را پی‌ریزی کرده بود و در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای، به احتمال زیاد آن را به اجرا می‌گذاشت که علاوه بر تأسیسات هسته‌ای، می‌توانست زیان‌های گسترده‌ای

به دیگر زیرساخت‌های کلیدی ایران مانند سیستم‌های دفاع هوایی، ارتباطات، شبکه برق و... وارد نماید (Sanger and Mazzetti, 16 Feb 2016)، اهمیت بحث همکاری‌های بین‌المللی هسته‌ای به ویژه در موضوع ایمنی هسته‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران نمایان‌تر می‌سازد.

نباید فراموش کرد که تخریب‌ها و جاسوسی‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران، بنا به قول آقای عباسی تا جلوی درب اتاق متخصصان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پیش رفته بود (خبرگزاری فارس، ۵ مرداد ۱۳۹۵) که باعث شهادت چند تن از آن‌ها نیز شد. به هر حال، در توافق جامع آمده است که «(۱+۵ و احتمالاً دیگران، به شکل مقتضی آماده‌اند تا در زمینه ایمنی هسته‌ای با ایران همکاری کنند و از طریق برنامه‌های آموزشی و برگزاری کارگاه‌هایی در این زمینه، قابلیت‌های ایران را برای محافظت از تأسیسات هسته‌ای خود و مقابله با تهدیدات امنیتی، از جمله خرابکاری و نیز تقویت امنیت هسته‌ای مؤثر و پایدار و همچنین سیستم‌های حفاظت فیزیکی، افزایش دهند». این، موفقیت بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران است. علاوه بر این، همان‌گونه که اشاره شد، توافق جامع، راه را برای همکاری‌های بین‌المللی مهم و سودمندی در زمینه هسته‌ای باز کرده است. اینکه «ایران می‌تواند با استفاده از رآکتورهای آب سبک و با بهره‌مندی از همکاری‌های بین‌المللی شامل تضمین سوخت لازم و همچنین توسعه رآکتورها قدرت خود را با پیشرفت تکنولوژی در سطح بین‌المللی همگام کند»، فرصت کمی نیست.

همکاری‌های هسته‌ای بین‌المللی، مزیت مهم دیگری نیز برای جمهوری اسلامی ایران دارد. واقعیت این است که سهم کشورمان از ذخایر اورانیوم جهان ناچیز است. بر اساس برآوردی در سال ۲۰۱۴، ایران در سال ۲۰۳۵ نیاز به ۱۳۹۰ تن اورانیوم دارد، در حالی که در آن زمان تنها توانایی تولید حدود ۱۰۰ تن از این میزان را خواهد داشت (OECD, 2014: 70 & 104). آقای صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی، اخیراً عنوان کرده است: «فرض کنید ما همین امشب به اندازه ۱۹۰ هزار سو ظرفیت غنی‌سازی داشته باشیم، سؤال این است که تا چه مدتی می‌توانیم این قابلیت را حفظ کنیم؟ برای مدت محدودی می‌توانستیم این کار را بکنیم و بعد متوقف می‌شد، زیرا مواد اولیه به آن صورت نداریم... اگر امروز ۱۹۰ هزار سو [ظرفیت غنی‌سازی] داشتیم و قرار بود حدود یکی دو سال با این حجم فعالیت کنیم و یک دفعه دست روی دست بگذاریم فاجعه می‌شد. چگونه می‌خواستیم آن را توجیه کنیم؟». به هر حال، بدون امکان همکاری‌های بین‌المللی، در آینده‌ای نزدیک ذخایر داخلی اورانیوم ایران تمام می‌شود و آن وقت دیگر صنعت هسته‌ای ارزشی نخواهد داشت.

حتی با گسترش عملیات اکتشافی و استخراجی نیز بعید است اورانیوم کافی برای تداوم بلندمدت غنی‌سازی در خاک ایران وجود داشته باشد. در چنین شرایطی، ایران نیاز به واردات اورانیوم خواهد داشت و برجام، این امکان را فراهم می‌کند. نمونه بارز آن، معامله‌ای است که بعد از توافق هسته‌ای میان ایران و روسیه انجام شد و کشورمان در ازای فروش ۱۱ تن اورانیوم غنی‌شده به فدراسیون روسیه، ۲۰۰ تن کیک زرد از این کشور تحویل گرفت. فراتر از بحث تأمین نیازهای هسته‌ای، ایران قصد دارد یک برنامه صنعتی و تجاری هسته‌ای داشته باشد

و این بدون همکاری‌های بین‌المللی میسر نیست. فروش مازاد آب سنگین بعد از توافق برجام، حکایت از آن دارد که این توافق شرایط مناسبی را برای پیگیری ورود ایران به بازار بین‌المللی هسته‌ای فراهم نموده است. در مجموع، به نظر می‌رسد امتیازات هسته‌ای که ایران در برجام به دست آورده، بسیار ارزشمند است. کشورمان همه تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای خود را حفظ می‌کند و در ضمن تمامی محدودیت‌هایی که می‌پذیرد، به جز در مورد رآکتور اراک و آن هم تنها در بخش مربوط به میزان تولید پلوتونیوم آن، موقتی و زمان‌دار هستند. با گذر زمان نه چندان زیادی نیز این محدودیت‌ها برداشته خواهند شد و به این ترتیب، ایران می‌تواند غنی‌سازی صنعتی خود را تداوم بخشد، برنامه تجاری هسته‌ای را دنبال کند و در شرایط عادی و بدون فشار و تهدید و بر اساس توافق بین‌المللی مورد قبول دنیا (برجام)، ظرفیت‌های ارزشمندی را کسب کند. در واقع با پایان این مرحله، در صورتی که همه چیز طبق روند پیش‌بینی شده در برجام پیش برود، دست ایران به عنوان پیروز میدان بالا خواهد رفت. به نظر می‌رسد این همان چیزی است که در بحث «نرمش قهرمانانه» مد نظر جمهوری اسلامی ایران است؛ یعنی انعطاف‌پذیری در مراحل و مواردی برای عبور از دشواری‌ها و موانع و رسیدن به پیروزی و موفقیت نهایی. نرمشی که رهبر معظم انقلاب آن را به مسابقه کشتی تشبیه نموده و در تبیین حکمت آن فرمودند: «در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است، اگر کسی قدرت داشته باشد اما انعطاف لازم را در جای خود به کار نگیرد قطعاً شکست می‌خورد؛ اما اگر انعطاف و قدرت را به موقع مورد استفاده قرار دهد پشت حریف را به خاک می‌نشانند» (دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفر با رهبر انقلاب، ۲۲/۰۵/۱۳۹۳).

برجام و مسائل اقتصادی

برنامه جامع اقدام مشترک، به تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران پایان می‌دهد. در طول یک دهه گذشته، به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای، تحریم‌های بین‌المللی، چندجانبه و یکجانبه گسترده‌ای علیه کشورمان وضع شده است. هرچند این تحریم‌ها از اساس ظالمانه و ضد انسانی بوده و بر مبنای مسئله‌ای ساختگی و جعلی علیه ایران اعمال شده‌اند، ولی به هر حال وجود دارند و فشارهای شدیدی را به اقتصاد کشور در سطوح و ابعاد مختلف وارد نموده‌اند. قطع ارتباطات مالی و پولی میان بانک مرکزی و سایر بانک‌ها و نهادهای مالی کشورمان با خارج، بلوکه شدن مقادیر زیادی از درآمدهای نفتی کشور، قطع بخش عمده‌ای از صادرات نفت ایران، غیرممکن یا دشوار شدن سرمایه‌گذاری خارجی در کشورمان، تحریم بسیاری از نهادها و سازمان‌های دخیل در امور زیربنایی و اقتصادی مانند کشتیرانی، پتروشیمی و...، تحریم فلزات مختلف از جمله طلا و... و افزایش هزینه‌های تجارت خارجی (هم در بخش واردات و هم در بخش صادرات) باعث کاهش شدید رشد اقتصادی و وقوع تکانه‌های شدید در بخش‌ها و بنیان‌های اقتصادی ایران و در نتیجه، وارد شدن هزینه‌های فراوان به جامعه و مردم شده است. همه این‌ها به علاوه فرصت‌هایی که از دست رفت، در مجموع هزینه‌های بسیار سنگینی به کشور وارد کرده است.

برنامه جامع اقدام مشترک، در صورتی که از فرصت‌ها و دستاوردهای آن به خوبی بهره‌برداری شود، می‌تواند شروعی بر پایان این وضعیت نامطلوب و خطرناک برای آینده ایران باشد. طبق این توافق، تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران لغو و قطعنامه جدیدی جایگزین آن‌ها می‌شود که ضمن تأیید برجام، برخی از محدودیت‌های خاص گذشته را در دوره زمانی نه چندان طولانی در حوزه‌های تسلیحاتی و موشکی علیه ایران اعمال می‌کند. به این ترتیب با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، در روز اجرای توافق، تحریم‌های این شورا علیه کشورمان لغو شد. تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی نیز به ترتیب بعد از ۵ و ۸ سال برداشته خواهند شد. البته، در صورتی که آژانس زودتر از این زمان‌ها به نتیجه‌گیری گسترده‌تری در مورد ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران برسد، این تحریم‌ها می‌تواند زودتر هم برداشته شود. همچنین، تا زمانی که برجام پابرجاست، شورای امنیت هیچ‌گونه تحریمی مرتبط با موضوع هسته‌ای علیه ایران وضع نخواهد کرد. طبق برجام، اتحادیه اروپا کلیه تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با مسئله هسته‌ای علیه ایران را در روز اجرای توافق به طور کامل لغو خواهد کرد؛ که بعد از اجرای توافق، هم‌اکنون این اتفاق افتاده است. در واقع برجام، آن‌گونه که در متن این توافق آمده، به طیف وسیعی از تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران پایان می‌دهد. محدودیت‌ها در مورد نقل و انتقالات مالی بین اشخاص و نهادهای اروپایی و اشخاص و نهادهای ایرانی برداشته شده و فعالیت‌های بانکی شامل ایجاد روابط کارگزاری بانکی جدید و افتتاح شعب و بانک‌های تابعه بانک‌های ایرانی در قلمرو کشورهای عضو اتحادیه آغاز می‌شود. اتحادیه اروپا تعهد می‌دهد ضمن رفع تحریم‌ها، در زمینه خدمات بیمه و بیمه اتکائی، ارائه خدمات پیام‌رسانی مالی (از جمله سوئیفت)، حمایت مالی از تجارت با ایران، پرداخت وام‌های بلاعوض، خدمات مالی و وام‌های ترجیحی به دولت ایران، معاملات در زمینه اوراق مشارکت دولت ایران و اوراق تضمین‌شده توسط دولت، واردات و حمل نفت، فرآورده‌های نفتی، گاز و فرآورده‌های پتروشیمی ایرانی، صادرات تجهیزات یا تکنولوژی کلیدی برای بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفت و گاز و پتروشیمی، صادرات تجهیزات و تکنولوژی کلیدی صنایع دریایی، ارائه خدمات پرچم و دسترسی به فرودگاه‌های اتحادیه اروپایی برای هواپیماهای باری ایرانی با تهران همکاری نماید.

همچنین، محدودیت‌ها و تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران در زمینه صادرات طلا، فلزات گران‌بها و الماس، تحویل مسکوکات و اسکناس ایرانی، صادرات گرافیت، فلزات خام و نیمه‌ساخته مانند آلومینیوم و فولاد و صادرات نرم‌افزار برای یکپارچه‌سازی فرآیندهای صنعتی لغو و تحریم‌ها علیه بسیاری از اشخاص حقیقی، حقوقی و نهادهای ایرانی (که تحریم آن‌ها شامل مسدودشدن اموال و ممنوعیت ویزا می‌شود) برداشته می‌شود. تقریباً همه این موارد بعد از اجرای برجام به وقوع پیوسته است، هرچند به دلایل مختلفی از جمله تحریم‌های اولیه آمریکا و زمان‌بر بودن بازگشت برخی از مناسبات به شرایط قبل از تحریم‌ها، موانعی ایجاد شده و باعث بدبینی‌هایی از سوی مقامات جمهوری اسلامی ایران شده است. همچنین، اتحادیه اروپا

۸ سال پس از روز پذیرش توافق، یا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به نتیجه‌گیری گسترده‌تری درباره ماهیت صلح‌آمیز همه مواد هسته‌ای ایران برسد، هر کدام از این دو که زودتر اتفاق بیفتد، به همه مقررات تحریمی خود علیه ایران در رابطه با موضوع اشاعه پایان خواهد داد. علاوه بر این، بر اساس بند ۲۶ متن اصلی برجام، اتحادیه اروپایی از تحمیل دوباره تحریم‌هایی که طبق این توافق لغو می‌نماید، خودداری خواهد کرد. تحریم‌های آمریکا علیه ایران در بحث هسته‌ای نیز لغو یا متوقف می‌شوند. طبق برجام، به تحریم‌های وضع شده علیه ایران در موضوع هسته‌ای از طریق فرمان‌های رئیس جمهور آمریکا، از جمله فرمان‌های شماره ۱۳۵۷۴، ۱۳۵۹۰، ۱۳۶۲۲، ۱۳۶۵۴ و بخش‌های ۵ تا ۷ و ۱۵ فرمان ۱۳۶۲۸، پایان داده می‌شود. تحریم‌های کنگره در زمینه هسته‌ای نیز متوقف می‌شود و این توقف ادامه می‌یابد تا اینکه بعد از ۸ سال یعنی در روز موسوم به روز انتقال، دولت آمریکا اقدامات قانونی مقتضی را برای پایان دادن به این تحریم‌ها، یا ایجاد تغییرات لازم برای انجام این کار، به عمل خواهد آورد.

برخی از محدودیت‌ها و تحریم‌های مرتبط با بحث هسته‌ای که دولت آمریکا به آن‌ها پایان خواهد داد یا اجرای آن‌ها را متوقف خواهد نمود عبارتند از معاملات مالی و بانکی با بانک‌ها و مؤسسات مالی ایرانی^۱، معاملات به ریال ایران، عرضه اسکناس آمریکایی به دولت ایران، محدودیت‌های تجارت دوجانبه بر درآمدهای ایران در خارج از کشور شامل محدودیت‌ها بر نقل و انتقال درآمدها، خرید، پذیره‌نویسی یا تسهیل معاملات راجع به دیون حاکمیتی ایران شامل اوراق قرضه دولتی، خدمات پیام‌رسانی مالی به بانک مرکزی ایران و مؤسسات مالی ایرانی، خدمات بیمه‌ای یا بیمه اتکائی، تلاش برای کاهش فروش نفت ایران، سرمایه‌گذاری شامل مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های مشترک، کالا، خدمات، اطلاعات، فناوری و دانش و کمک فنی برای بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی، خرید، تحصیل، فروش، حمل و نقل یا بازاریابی نفت، محصولات پتروشیمی یا گاز طبیعی از ایران، صادرات، فروش یا عرضه فرآورده‌های نفتی تصفیه شده و فرآورده‌های پتروشیمی به ایران، معاملات در حوزه انرژی ایران، معاملات با بخش‌های کشتیرانی و کشتی‌سازی و گرداندگان بنادر ایران، خرید و فروش طلا و سایر فلزات گران‌بها، خرید و فروش گرافیت، فلزات خام یا نیمه‌ساخته مانند آلومینیوم، فولاد، زغال سنگ و نرم‌افزار برای یکپارچه‌سازی فرآیندهای صنعتی، فروش، عرضه یا انتقال کالاها و خدمات مورد استفاده در ارتباط با بخش خودروسازی ایران.

در برجام، ایالات متحده اجازه فروش هواپیماهای مسافربری و قطعات و خدمات مربوطه به ایران را داده و تعهد کرده که منطبق با برجام، مجوز همکاری اشخاص غیرآمریکایی که در مالکیت یا کنترل اشخاص آمریکایی هستند و نیز واردات فرش و مواد غذایی از مبدأ ایران به آمریکا را صادر نماید. همان‌گونه که عنوان شد، دولت این کشور ۸ سال پس از روز توافق، یا زمانی که آژانس به نتیجه‌گیری گسترده‌تری در مورد ماهیت صلح‌آمیز تمام مواد هسته‌ای ایران برسد، هر کدام زودتر اتفاق بیفتد، اقدام مقتضی برای لغو تحریم‌هایی که

۱. بانک‌ها و مؤسساتی که به بهانه هسته‌ای تحریم شده‌اند.

در روز اجرای توافق متوقف شده‌اند را صورت خواهد داد. همچنین، در صورتی که قانونی در سطح محلی یا ایالتی مانع از اجرای لغو تحریم‌های مشخص‌شده در برجام شود، دولت آمریکا با در نظر گرفتن تمامی اختیاراتی که دارد، گام‌های مقتضی را بر خواهد داشت. دولت آمریکا فعلا نه مقامات این کشور در سطوح محلی و ایالتی را تشویق خواهد کرد که تغییرات در سیاست آمریکا نسبت به برداشتن تحریم‌ها تحت برجام را در نظر داشته باشند و از اقدامات ناسازگار با آن خودداری کنند. علاوه بر این، آمریکا ضمن اینکه در چارچوب نقش مشخص رئیس‌جمهور و کنگره این کشور، از بازگرداندن، تحمیل مجدد یا اعمال تحریم‌های جدید مرتبط با مسئله هسته‌ای علیه ایران اجتناب خواهد کرد، با حسن نیت نهایت تلاش خود را برای دوام برجام و پیش‌گیری از ایجاد مشکل در منتفع‌شدن ایران از لغو تحریم‌ها طبق برجام، انجام خواهد داد.

در بند ۲۴ متن اصلی برجام نکته مهم دیگری در مورد تحریم‌ها وجود دارد. طبق این بند اگر در هر زمانی پس از روز اجرای برجام، ایران معتقد باشد که هر تحریم مرتبط با هسته‌ای یا اقدام محدودساز دیگری از سوی ۵+۱ در حال ایجاد مانع در راه اجرای کامل برجام در بحث برداشتن تحریم‌هاست، عضو ذی‌ربط برجام با نگاه حل مسئله با ایران مشورت خواهد کرد و در صورتی که توافق داشته باشند که برداشتن آن تحریم و اقدام محدودیت‌ساز مقتضی است، عضو مربوطه اقدام متناسب را به عمل خواهد آورد. در صورتی که موضوع حل نشود، ایران یا هر عضوی از ۵+۱ می‌توانند آن را به کمیسیون مشترک ارجاع دهند. بند ۲۹ نیز عنوان می‌کند که اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن و ایالات متحده، منطبق با قوانین داخلی خود، از اتخاذ هر گونه سیاستی با هدف تأثیرگذاری مستقیم و منفی بر عادی‌سازی روابط تجاری و اقتصادی با ایران، در تعارض با تعهداتشان مبنی بر عدم اخلال در اجرای موفقیت‌آمیز برجام، خودداری خواهند نمود. با وجود همه مشکلات و موانع، تردیدی وجود ندارد که برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی، پیامدهای مثبتی را برای اقتصاد کشورمان در پی داشته و وضعیت پس از برجام برای منافع و امنیت ملی ایران قطعاً بهتر از وضعیت پیش از برجام است. هرچند اعتقاد کارشناسان حوزه‌های مختلف بر این است که بسیاری از مشکلات ایران درونی است و برجام نیز به تنهایی نمی‌تواند این مشکلات را حل نماید، اما تصور اینکه جمهوری اسلامی ایران در وضعیت شکننده و بی‌ثبات منطقه و انباشت روزافزون مسائل و مشکلات داخلی می‌توانست بدون توافق هسته‌ای تعادل خود را حفظ نماید، بسیار دشوار است. به تعبیر دقیق آقای روحانی، کشور به قرن نوزدهم بازگشته بود (خبرگزاری ایلنا، ۳۱ فروردین ۱۳۹۵). با تحریم‌ها، فروش نفت به نصف تقلیل یافت، هزینه تجارت خارجی ۱۵ درصد افزایش پیدا کرد و رشد اقتصادی در ۲۰۱۲ به منفی ۶/۸ و در ۲۰۱۳ به منفی ۱/۹ رسید (Wilson, 2016). به قول آقای روحانی: «کشتیرانی به سمت بنادر ایران تحریم شد و کالاها باید به بندر کشور دیگر می‌رفت و با لنج به ایران حمل می‌شد... هیچ پولی از طریق بانکی به کشور دیگر صادر و وارد نمی‌شد... همه چیز از طریق صرافی‌ها حل و فصل می‌شد و کانال‌های بانکی به روی ایران بسته شده بود» (خبرگزاری ایلنا، ۳۱ فروردین ۱۳۹۵). بر اساس ارزیابی‌ها،

با برداشته شدن تحریم‌ها، تنها هزینه تجارت خارجی ایران سالانه ۱۵ میلیارد دلار ارزان‌تر خواهد شد (Wilson, 2016: 2). این مبلغ برابر با کل بودجه نظامی ایران در سال ۱۳۹۵ یا حتی بیشتر از آن است.

محتوا و تعهدات حقوقی برجام

ایران از زیر فصل ۷ منشور ملل متحد که به تنبیه تهدیدکنندگان و نقض‌کنندگان صلح و متجاوزان اختصاص دارد، خارج می‌شود. هرچند بدون تردید ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت اساساً اقدامی سیاسی و با هدف فشار بر کشورمان برای توقف فعالیت‌های غنی‌سازی صورت گرفت، اما به هر حال بعد از صدور قطعنامه ۱۶۹۶ تحت ماده ۴۰ منشور که طبق آن شورای امنیت از ایران می‌خواست تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری و نیز تحقیق و توسعه را تعلیق کند و بدون فوت وقت گام‌های درخواست‌شده در گزارش شماره GOV/2006/14 شورای حکام آژانس (تعلیق کامل و پایدار تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری و نیز تحقیق و توسعه) را اجرا کند. در غیر این صورت، تحت ماده ۴۱ فصل ۷ منشور علیه آن اقدام خواهد شد (Resolution 1696, 31 July 2006)، پرونده هسته‌ای ایران جنبه حقوقی نیز پیدا کرد و ایران رسماً زیر فصل ۷ منشور قرار گرفت. بعد از آن نیز پنج قطعنامه زیر ماده ۴۱ منشور علیه ایران تصویب شد که شدیدترین آن‌ها قطعنامه ۱۹۲۹ بوده است؛ قطعنامه‌ای که در تاریخ سازمان ملل اگر بی‌نظیر نباشد، کم‌نظیر است.

قطعنامه ۱۹۲۹ راه را برای اقدامات خصمانه کشورهای دیگر علیه ایران باز کرد. نکته مهم در این قطعنامه، بازگذاشته شدن مسیر اقدام نظامی علیه ایران است. پاراگراف پایانی مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ می‌گوید: «هیچ چیزی در این قطعنامه، دولت‌های دیگر را مجبور به اتخاذ اقدامات یا اعمال اضافه بر آنچه در این قطعنامه آمده، از جمله استفاده از زور یا تهدید به زور، نمی‌کند» (Resolution 1929, 9 June 2010). این یعنی اینکه قطعنامه ۱۹۲۹ اقدام نظامی علیه ایران را منع نمی‌کند و حتی توصیه هم نمی‌شود که چنین اقدامی صورت نگیرد، بلکه تنها گفته شده که قطعنامه کسی را مجبور به این کار نمی‌کند. این تهدیدی جدی برای کشورمان بود، به ویژه که آمریکایی‌ها در ارائه تفاسیر خود محورانه و شخصی از قطعنامه‌های شورای امنیت و دیگر قوانین بین‌المللی در راستای منافع و اهداف خودشان، سابقه زیادی دارند. نمونه بارز آن، تفسیرهایی بود که آمریکا در سال ۲۰۰۳ از قطعنامه‌های قبلی علیه عراق و به ویژه قطعنامه‌های ۶۸۷ مصوب آوریل ۱۹۹۱ و ۱۴۴۱ مصوب ۸ نوامبر ۲۰۰۲ ارائه داد تا از طریق آن، حمله به عراق را توجیه کند.

در مجموع در تاریخ سازمان ملل، در تمام مواردی که یک کشور زیر فصل ۷ منشور قرار گرفته، در نهایت یا تسلیم شده و خواست‌های شورای امنیت را اجرا نموده (مانند آفریقای جنوبی)، یا سوژه ماده ۴۲ منشور قرار گرفته (مثل عراق) و یا اینکه به شدت تحت فشار گذاشته شده و منزوی گشته و خسارت‌های بزرگی به آن وارد آمده است (مانند کره شمالی). همچنین، تا کنون دو راه برای حل و فصل موارد مطرح‌شده زیر فصل ۷ منشور وجود داشته: ۱. تسلیم و اجرای خواست شورای امنیت از سوی بازیگر معرفی‌شده به

عنوان خاطی و در غیر این صورت، ۲. اقدام نظامی علیه آن. با توافق جامع و قطعنامه ۲۲۳۱، ایران راه حل سومی که دیپلماسی و مصالحه است، برای جهانیان ارائه کرد. این در نوع خود بی‌نظیر است. در واقع، ایران توانست بین دو گزینه «پافشاری» و «تسلیم»، مسیر سومی ایجاد کند که بر اساس آن، نه تنها خطرات فصل ۷ رفع شده، بلکه بسیاری از فعالیت‌هایی که در قطعنامه‌های زیر فصل ۷ برای ایران ممنوع اعلام شده و از کشورمان خواسته شده به این فعالیت‌ها پایان دهد، هم‌اکنون صریحاً در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ مجاز اعلام شده است. همچنین، دیگر موارد ممنوعه طبق قطعنامه‌ها نیز در قالب محدودیت‌های مقطعی و زمان‌دار طرح شده‌اند؛ که به مرور زمان (طی ۱۰ تا ۱۵ سال آینده) این محدودیت‌ها هم از بین خواهد رفت.

در بحث حقوقی توافق جامع، سیستم راستی‌آزمایی و نظارت‌های آژانس بر تأسیسات هسته‌ای ایران مسئله مهم دیگری است. در این توافق، دو مکانیزم پروتکل الحاقی و نسخه اصلاح‌شده کد ۳/۱ مورد موافقت قرار گرفته است. ایران پذیرفته که تا ۸ سال دیگر یعنی تا روز انتقال، پروتکل الحاقی را به صورت داوطلبانه اجرا کند و هم‌زمان با تلاش‌های دولت آمریکا برای لغو تحریم‌های کنگره علیه ایران (که از روز اجرای برجام متوقف شده‌اند)، تلاش خواهد کرد این پروتکل را در مجلس شورای اسلامی به تصویب برساند. پروتکل الحاقی به آژانس اجازه می‌دهد بر تأسیسات هسته‌ای کشور هدف، نظارت‌های دقیقی انجام دهد؛ نظارت‌هایی که ممکن است در چارچوب دیگر پادمان‌های آژانس، امکان انجام آن وجود نداشته باشد (مانند بازرسی‌ها سرزده یا دسترسی‌های مدیریت‌شده به مکان‌های حساس). کد ۳/۱ نیز کشور پذیرنده آن را موظف می‌کند هر تصمیمی مبنی بر ساخت تأسیسات هسته‌ای جدید را هر چه زودتر به اطلاع آژانس برساند. در مورد اینکه این دو مکانیزم محدودیت هستند، تردیدی وجود ندارد، اما باید به چند نکته توجه کرد: ۱. پروتکل الحاقی را ۱۴۶ کشور به جز ایران امضا کرده و ۱۲۶ کشور هم‌اکنون در حال اجرای آن هستند (IAEA, 3 July 2015). پس تنها ایران نیست که این محدودیت را پذیرفته است. طبق یک قاعده کلی، وقتی محدودیتی برای همه باشد، دیگر نمی‌توان آن را محدودیت دانست.

شاید گفته شود تعدادی از کشورها این محدودیت را پذیرفته‌اند. این درست است، اما نکته مهم این است که همه قدرت‌های بزرگ و کشورهای تأثیرگذار و مهم جهان، از جمله آمریکا، روسیه، بریتانیا، فرانسه، چین، آلمان، هند، آفریقای جنوبی، ژاپن، ایتالیا، اسپانیا، کره جنوبی، ترکیه و... در حال اجرای این پروتکل هستند؛ ۲. پروتکل الحاقی فقط به منظور راستی‌آزمایی است و وقتی کشوری به دنبال سلاح هسته‌ای نیست، اجرای این پروتکل نباید چندان برایش تفاوتی داشته باشد؛ ۳. گفته می‌شود پروتکل الحاقی می‌تواند راه را برای جاسوسی علیه کشور پذیرنده آن باز کند. مخالفان توافق جامع در ایران، تأکید زیادی بر این مسئله دارند. این نگرانی درست است، اما باید دقت کرد که اگر کشور پذیرنده پروتکل، در اجرای آن حرفه‌ای عمل کند (به ویژه با ابزارهای مدرنی که لزوم حضور نیروهای آژانس در محل مورد درخواست را کاهش می‌دهد)، بعید است چنین اتفاقی رخ بدهد. در حالت کلی، در صورتی که کشوری از

محرمانه‌های خویش به خوبی محافظت نکند، از هر طریقی ممکن است اسرارش به دست دیگران بیفتد. لزومی هم ندارد که حتماً پروتکل الحاقی را امضا و اجرا کرده باشد.

در ضمن، پروتکل الحاقی تنها اجازه «دسترسی مدیریت‌شده»^۱ به مکان‌های مشکوک، به منظور «نمونه‌برداری محیطی»^۲ را طبق شرایط و ضوابط مشخصی به آژانس می‌دهد و برای مثال، این‌گونه نیست که مأمورین آژانس اجازه داشته باشند سایت‌های نظامی و سیلوهای موشکی کشور پذیرنده پروتکل را بازرسی کنند. بازرسی آن‌ها به سایت‌های هسته‌ای محدود است و در صورت مشکوک شدن به مکان‌های دیگر باید استدلال قانع‌کننده‌ای ارائه دهند و کشور پذیرنده آن را بررسی نماید. بر اساس بند ۷۴ پیوست یکم برجام، «درخواست‌های دسترسی بر مبنای مقررات برجام همراه با حسن نیت و رعایت حق حاکمیت ایران و در حداقل ضرورت برای اجرای مؤثر مسئولیت‌های راستی‌آزمایی تحت برجام ارائه خواهد شد». به علاوه، «هدف چنین درخواست‌هایی مداخله در امور نظامی یا دیگر فعالیت‌های امنیت ملی ایران نخواهد بود، بلکه صرفاً برای حل نگرانی‌ها در رابطه با اجرای تعهدات برجام و دیگر تعهدات پادمانی و عدم اشاعه‌ای ایران خواهد بود». وقتی آژانس درخواست شفاف‌سازی از فعالیت‌ها در مکانی خاص را ارائه داد (بند ۷۵ پیوست یکم برجام) و در نهایت از توضیحات قانع نشد و درخواست بازرسی داد (بند ۷۶ پیوست یکم برجام)، طبق بند ۷۷ پیوست یکم برجام، ایران می‌تواند روش‌های جایگزینی برای رفع نگرانی‌های آژانس پیشنهاد کند.

در صورتی که این شیوه نیز موفق نباشد، بر اساس ماده ۷۸، ایران در مشورت با کمیسیون مشترک برجام، از طریق روش‌های ضروری مورد توافق ایران و آژانس، نگرانی‌های آژانس را برطرف خواهد کرد. باز اگر مسئله حل نشد، اعضای کمیسیون با اجماع آرا یا با رأی ۵ عضو از ۸ عضو، نظر خود را در مورد روش ضروری برطرف نمودن نگرانی آژانس ارائه خواهند نمود. پس این‌گونه نیست که بازرسان آژانس به صورت خودسر بتوانند به هر مکانی که تمایل دارند وارد شوند و عمل دل‌خواه خود را انجام دهند، یا اینکه ایران تحت فشار شدید قرار داشته باشد، به طوری که مجبور شود به هر درخواستی، حتی غیرمنطقی و مبتنی بر استدلال‌های ضعیف، تن بدهد. چیزی که باید در اینجا به آن توجه شود این است که بین رژیم نظارتی پروتکل الحاقی با رژیم‌های طراحی‌شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل برای موارد خاص مثل آنسکام در عراق تفاوت زیادی وجود دارد.

در راستای اقدامات شفاف‌سازی و اعتمادساز، ایران همچنین با این موارد موافقت کرده است: حضور بلندمدت آژانس در ایران؛ نظارت آژانس بر کنسائتره سنگ معدن اورانیوم تولیدی توسط ایران در همه کارخانه‌های تغلیظ سنگ معدن اورانیوم به مدت ۲۵ سال؛ نظارت و مراقبت در مورد روتورها و بیلوهای

1. Managed Access

2. environmental sampling

ساترئیفیوژ به مدت ۲۰ سال؛ استفاده از فناوری‌های مدرن تأییدشده و گواهی‌شده توسط آژانس از جمله دستگاه سنجش میزان غنی‌سازی به صورت مستقیم و مهر و موم‌های الکترونیکی؛ و سازوکار قابل اتکا برای اطمینان از رفع سریع نگرانی‌های آژانس در زمینه دسترسی به مدت ۱۵ سال. همکاری با کانال خریدی که در توافق جامع پیش‌بینی شده و قرار است ایران از طریق آن به برخی اقلام هسته‌ای و نیز اقلامی با کاربرد دوگانه دست پیدا کند، نیز از دیگر اقداماتی است که ایران انجام خواهد داد. بر اساس گزارش دوم وزارت امور خارجه به مجلس شورای اسلامی در مورد اجرای توافق هسته‌ای، این کانال در وین استقرار یافته و هم‌اکنون فعال شده است و به طور عادی، هر سه هفته یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهد. در برنامه جامع اقدام مشترک، مکانیزمی نیز برای حل و فصل اختلاف‌ها در نظر گرفته شده که بر اساس آن، چنانچه ایران یا هر یک از اعضای ۵+۱ معتقد باشد که طرف مقابل تعهدات خود در توافق را رعایت نکرده، می‌تواند موضوع را به منظور حل و فصل به کمیسیون مشترکی که در این راستا در نظر گرفته شده، ارجاع دهد. در صورتی که کمیسیون نتواند به مدت ۱۵ روز مسئله را حل کند، آن را به وزیران خارجه ارجاع می‌دهد. وزرای خارجه نیز ۱۵ روز برای فیصله‌دادن آن مسئله وقت دارند. اگر تا ۳۵ روز بعد از مطرح‌شدن، مسئله حل نشود، کار به شورای امنیت کشیده خواهد شد و «شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌بایست منطبق با رویه‌های خود در خصوص قطعنامه‌ای برای تداوم لغو تحریم‌ها رأی‌گیری نماید». چنانچه چنین قطعنامه‌ای ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ به تصویب نرسد، مفاد قطعنامه‌های سابق شورای امنیت سازمان ملل متحد مجدداً اعمال خواهند شد، مگر اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد به نحو دیگری تصمیم‌گیری نماید. این همان مکانیزمی است که «بازگشت بی‌مقدمه» تحریم‌ها یا «snapback» خوانده می‌شوند.

در مجموع، اینکه جمهوری اسلامی ایران توانسته از زیر فصل ۷ منشور ملل متحد خارج شود و از موقعیت سوژه امنیتی‌شده توسط این نهاد رهایی یافته، از همه لحاظ مثبت است و کسی در این مورد تردیدی ندارد. درباره پروتکل الحاقی و کد اصلاح‌شده ۳/۱ نیز همان‌گونه که عنوان شد، بسیاری از دولت‌ها این محدودیت‌ها را پذیرفته‌اند و جمهوری اسلامی ایران در این مورد استثنا نیست. البته، ممکن است چند سالی نگاه‌ها و برخوردها با ایران متفاوت باشد و این هم عمدتاً به دلیل حساسیتی است که در مورد اجرای توافق جامع وجود دارد. در مورد مکانیزم حل و فصل اختلاف‌ها نیز در صورت پایداری اراده سیاسی طرفین توافق، به نظر می‌رسد به اندازه کافی تسهیل‌کننده حل اختلاف‌های احتمالی هست؛ هرچند بحث بازگشت بی‌مقدمه تحریم‌های شورای امنیت (در صورت نقض توافق توسط جمهوری اسلامی)، می‌تواند پیامدهایی مانند تداوم ترس از سرمایه‌گذاری در ایران یا محدودیت‌هایی در گسترش ارتباطات اقتصادی به ویژه در حوزه‌های مالی و بانکی با کشورمان را به دنبال داشته باشد.

برجام و امور نظامی

موضوع موشکی از سال ۲۰۰۶ و در همان قطعنامه اول شورای امنیت در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران یعنی قطعنامه ۱۶۶۹ به موضوع هسته‌ای گره زده شد و چون در سایه بحث هسته‌ای بود، کمتر مورد توجه قرار گرفت. در این قطعنامه و قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و به ویژه قطعنامه ۱۹۲۹ این شورا در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نه تنها جمهوری اسلامی به طور کامل تحریم موشکی شد، بلکه در مجموع از لحاظ تسلیحاتی و نظامی نیز به شکل اساسی در محاصره حلقه تحریم‌ها قرار گرفت. تقریباً صادرات هر گونه سلاح به ایران به ویژه سلاح‌های سنگین و نیز صادرات هر گونه سلاح از ایران ممنوع شد. قطعنامه ۱۷۴۷ می‌گوید که ایران نباید هیچ نوع سلاحی را چه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق خاک خود یا با استفاده از هواپیماها و کشتی‌های تحت مالکیت یا پرچم خویش، عرضه، فروش یا انتقال دهد و همه دولت‌ها باید تدارکات چنین مواردی از ایران، با استفاده از هواپیماها یا کشتی‌های تحت مالکیت یا تحت پرچم‌شان را ممنوع کنند. همچنین، این قطعنامه از همه دولت‌ها می‌خواهد در عرضه، فروش یا انتقال بسیاری از سلاح‌های سنگین مانند توپخانه، موشک و سیستم‌های موشکی، هواپیما، بالگرد یا خدمات مربوط به ساخت آن‌ها به ایران، مراقبت و خودداری کنند (Resolution 1747, 24 March 2007).

در قطعنامه ۱۹۲۹، تحریم تسلیحاتی ایران شدیدتر شده است. در این قطعنامه بر خلاف قطعنامه ۱۷۴۷ که از «همه دولت‌ها می‌خواهد»^۱ در عرضه، فروش و انتقال تسلیحات به ایران «مراقبت و خودداری کنند»، «تصمیم گرفته می‌شود که همه دولت‌ها»^۲ باید از عرضه، فروش یا انتقال سلاح به ایران «جلوگیری کنند». علاوه بر تحریم تسلیحاتی، قطعنامه‌ها بخش‌های مختلف دفاعی و نظامی ایران و به ویژه نهادها، سازمان‌ها، مقامات و اشخاص نظامی کشورمان را نیز به روش‌های مختلف هدف تحریم قرار داده‌اند. در واقع، ایران به طور کامل تحریم دفاعی - نظامی شده است. این وضعیت دشواری‌هایی را متوجه توان و قدرت دفاعی و نظامی کشورمان کرده است. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی^۳ در آوریل ۲۰۱۵ گزارشی در مورد وضعیت هزینه‌های نظامی و خرید و فروش‌های تسلیحاتی کشورهای خلیج فارس ارائه کرده است. نتیجه‌گیری این گزارش که آنتونی کوردزمن، کارشناس مشهور مسائل نظامی و امنیتی کشورهای خلیج فارس، نویسنده آن است، این است که «کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به برخی سلاح‌های پیشرفته و مؤثر در جهان دست پیدا کرده یا در حال به دست آوردن این گونه سلاح‌ها هستند. [در حالی که] ایران اساساً مجبور بوده با تکیه بر سیستم‌هایی که در زمان شاه به این کشور تحویل

1. Calls upon all States...

2. Decides that all States...

3. Center for Strategic and International Studies (CSIS)

داده شده یا واردات سلاح‌های درجه پایین که بسیاری از آن‌ها مبتنی بر فناوری‌های دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ هستند، در گذشته زندگی کند» (Cordesman, 2015: 4).

به هر حال، این پیچیدگی و درهم‌تنیدگی بحث هسته‌ای و نظامی به ویژه موشکی، وضعیتی را به وجود آورد که حل‌وفصل هر کدام از این دو را بدون دیگری تقریباً غیرممکن می‌ساخت. زمانی که مذاکرات جدی و فشرده هسته‌ای شروع شد، تلاش طرفین بر این بود که این دو مسئله را از هم جدا کنند. هرچند این تلاش‌ها تا حدودی موفق بود، اما در نهایت، چون طرفین قرار گذاشتند که با صدور قطعنامه‌ای در شورای امنیت به قطعنامه‌های سابق علیه ایران خاتمه بدهند، ناچار شدند در مورد تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی نیز مذاکره نمایند و تکلیف این تحریم‌ها را نیز مشخص کنند. حاصل این مذاکرات، کاملاً به نفع ایران بود، زیرا به رغم اینکه تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی به قطعنامه جدید ۲۲۳۱ انتقال یافت، اما اولاً: شدت و لحن تند این تحریم‌ها به شدت کاهش پیدا کرد و ثانیاً: زمانی برای رفع این تحریم‌ها تعیین شد (تحریم‌های تسلیحاتی ۵ و تحریم‌های موشکی ۸ سال دیگر برداشته خواهند شد) که این خود موفقیت بزرگی بود. در بخش برآورد قطعنامه ۲۲۳۱ بیشتر به این مسئله پرداخته خواهد شد.

در مورد اهمیت برجام در امور نظامی، نکته مهم دیگری را نیز باید در نظر گرفت. تحریم‌های اقتصادی بر بودجه نیروهای نظامی و دفاعی ایران تأثیرگذار بوده است. به هر حال، وقتی تولید ناخالص داخلی رشد نمی‌کند یا رشد آن پایین می‌آید و کشور با مشکلات بیشتری در حوزه‌های مختلف مواجه می‌شود، طبیعتاً بودجه نظامی نیز کاهش می‌یابد یا بدون تغییر می‌ماند. بر اساس برآورد مؤسسه بین‌المللی صلح استکهلم (SIPRI)، هزینه‌های نظامی ایران در ۲۰۱۵ نسبت به ۲۰۰۶، ۳۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد. بیشترین کاهش در ۲۰۱۳-۲۰۱۲ بعد از آنکه اتحادیه اروپایی مجموعه‌ای از تحریم‌های اقتصادی و مالی را در زانو به ۲۰۱۲ علیه ایران اعمال کرد، رخ داده است (SIPRI Fact Sheet, April 2016). طبق مقایسه انجام‌شده توسط مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در مورد هزینه‌های نظامی ایران و همسایگان جنوبی خلیج فارس، هزینه‌های عربستان سعودی به تنهایی حداقل ۴ برابر ایران و مجموع هزینه‌های نظامی کشورهای عضو شورای همکاری ۶ تا ۷ برابر ایران است (Cordesman, 2015: 4). پس، هرچند نمی‌توان منکر رشد و پیشرفت‌های ارزشمند درونی صنایع نظامی و تسلیحاتی کشور شد، اما به هر حال تحریم‌ها در حوزه‌های دفاعی و نظامی نیز برای ایران مشکل‌ساز بوده‌اند.

طبق توافق هسته‌ای، تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی کشورمان به ترتیب ۵ و ۸ سال دیگر برداشته خواهند شد. البته، در صورتی که آژانس نتیجه‌گیری گسترده‌تری خود در مورد ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را زودتر ارائه دهد، این تحریم‌ها می‌توانند قبل از ۵ و ۸ سال نیز برداشته شوند. این ممکن است مطلوب ایران نباشد، اما به هر حال با توجه به واقعیات موجود، به دست آوردن بهتر از آن شاید امکان‌پذیر نبوده است.

قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت طبق توافق برجام و به منظور تصویب این توافق در این نهاد بین‌المللی و با اجماع ۱۵ عضو این شورا در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ (۲۹ تیر ۱۳۹۴) تصویب شد. این قطعنامه ۱۰۴ صفحه‌ای دارای یک بخش اصلی و دو پیوست است. در بخش اصلی آن تلاش بر آن است تا تغییر ایجاد شده در مورد برنامه هسته‌ای ایران تبیین شده و از دولت‌های عضو سازمان ملل خواسته شده بنا بر اصل ۲۵ منشور ملل متحد (که از دولت‌های عضو می‌خواهد تصمیمات شورای امنیت را پذیرفته و اجرا کنند)، در برآورده نمودن تعهدات برجام همکاری نمایند. همچنین قسمت عمده‌ای از این بخش به ترتیبات و تشریفات اجرای برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ اختصاص یافته است. پیوست اول همان متن کامل برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام است، که قطعنامه آن را تأیید می‌کند. پیوست دوم بیانیه‌ای است که در آن برخی از محدودیت‌های قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت در زمینه‌های تسلیحاتی و موشکی به این قطعنامه جدید انتقال یافته‌اند. مجادلات و بحث‌هایی که در مورد قطعنامه ۲۲۳۱ وجود دارد ناشی از برخی محتویات همین پیوست و به‌ویژه بندی از آن است که به فعالیت‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد.

در بند سوم این پیوست، شورای امنیت «از ایران خواسته هیچ‌گونه طراحی موشک‌های بالستیکی که توانایی پرتاب سلاح‌های هسته‌ای را دارند و نیز هر گونه شلیکی با استفاده از چنین تکنولوژی موشکی بالستیکی تا ۸ سال بعد از روز توافق یا تا زمانی که آژانس گزارشی مبنی بر تأیید نتیجه‌گیری گسترده‌تر [از ماهیت صلح‌آمیز مواد هسته‌ای ایران] ارائه می‌دهد، هر کدام زودتر اتفاق بیفتد، انجام ندهد». این بند قطعنامه باعث بحث‌ها و نگرانی‌هایی در ایران شده است؛ نگرانی از اینکه ممکن است به توان دفاعی کشور صدمه‌ای وارد شود. این نگرانی، به ویژه با تحریم‌های جدید علیه ایران به دلیل آزمایش‌های موشکی، کاملاً بجاست؛ اما باید به این نکته مهم توجه کرد که در قطعنامه ۱۹۲۹ گفته شده شورای امنیت تصمیم می‌گیرد که ایران نباید هیچ‌گونه فعالیت مرتبط با موشک‌های بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای، شامل پرتاب‌ها با استفاده از تکنولوژی موشکی بالستیک، انجام دهد و دولت‌ها باید همه اقدامات لازم برای جلوگیری از انتقال تکنولوژی یا کمک‌های فنی مرتبط با چنین فعالیت‌هایی به ایران را اتخاذ نمایند. در واقع، با حالت دستوری گفته شده که همه اقدامات لازم باید در این راستا به کار گرفته شوند. همین عبارت «همه اقدامات لازم»، خود موجب تهدیدات و خطرات امنیتی جدی است. این در حالی است که در قطعنامه ۲۲۳۱ عنوان شده که شورای امنیت «از ایران می‌خواهد»^۲ تا ۸ سال بعد از روز پذیرش توافق، هیچ‌گونه فعالیت‌هایی در راستای طراحی موشک‌های بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای، شامل پرتاب‌ها با استفاده از تکنولوژی موشکی بالستیک، انجام ندهد. در اینجا، اول: گفته نشده که ایران باید این کار را انجام دهد، بلکه با حالت توصیه‌ای

1. Decides that Iran shall not...

2. Iran is called upon not...

از ایران خواسته شده چنین اقدامی انجام ندهد؛ دوم: از ایران خواسته شده هیچ فعالیتی در راستای «طراحی» موشک‌های بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای صورت ندهد. ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست که بخواهد برای پرتاب آن، موشک طراحی کند. طراحی موشک‌های ایران، بر اساس دفاع از کشور و منافع ملی است نه بر اساس محاسبات پرتاب کلاهک هسته‌ای. پس «طراحی موشک‌های بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای» اساساً در مورد جمهوری اسلامی ایران موضوعیت ندارد.

ممکن است موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران، بنا بر محاسباتی که وجود دارد، قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را هم داشته باشند^۱، ولی برای اهداف دفاعی و نه این منظور طراحی شده‌اند؛ سوم: بر خلاف آنچه در قطعنامه ۱۹۲۹ آمده، در قطعنامه ۲۲۳۱ از همه کشورهای خواسته نشده که «همه اقدامات لازم» را برای اجرای این بند قطعنامه اتخاذ کنند. در قطعنامه ۲۲۳۱ عنوان شده که ۱۰ سال بعد از روز پذیرش توافق، تمام تمهیدات این قطعنامه لغو می‌شوند و هیچ کدام از قطعنامه‌های سابق (شامل قطعنامه شماره ۱۶۹۶ صادره در سال ۲۰۰۶، ۱۷۳۷ صادره در سال ۲۰۰۶، ۱۷۴۷ صادره در سال ۲۰۰۷، ۱۸۰۳ صادره در سال ۲۰۰۸، ۱۸۳۵ صادره در سال ۲۰۰۸ و ۱۹۲۹ صادره در سال ۲۰۱۰ و ۲۲۲۴ صادره در سال ۲۰۱۵) نباید اجرا شوند. در این زمان، شورای امنیت به رسیدگی به مسئله هسته‌ای ایران پایان می‌دهد و گزینه «عدم اشاعه» از فهرست موضوعات مورد توجه شورای امنیت خارج می‌شود. به این ترتیب، برنامه‌های هسته‌ای، تسلیحاتی و موشکی ایران، در روند عادی‌تری قرار می‌گیرند.

گزارش آژانس در مورد موضوعات حال و گذشته برنامه هسته‌ای ایران

گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد «موضوعات اصلی گذشته و حال»^۲ برنامه هسته‌ای ایران که یکی از بخش‌های مهم توافق هسته‌ای و از پیش‌نیازهای اجرای برجام محسوب می‌شد، روز ۲ نوامبر ۲۰۱۵ (۱۱ آبان ۱۳۹۴) منتشر شد (GOV/2015/68, 2 December 2015). در این گزارش ۱۵ صفحه‌ای که بر اساس تمام اطلاعات مرتبط با پادمان در اختیار آژانس، شامل اطلاعات حاصل شده از طریق اجرای توافق پادمان ان. پی. تی، همکاری‌های مبتنی بر سند «رهیافت ساختاری»^۳ از ژانویه ۲۰۱۲ تا می ۲۰۱۳، توافق چارچوبی برای همکاری (میان ایران و آژانس در سال ۲۰۱۳) و بر اساس درخواست‌ها و تعهدات برنامه جامع اقدام مشترک و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تنظیم شده، نتیجه‌گیری نهایی به این صورت است: «برآورد آژانس این است که تا قبل از سال ۲۰۰۳ به عنوان تلاش هماهنگ، طیفی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک ابزار هسته‌ای انفجاری به وسیله ایران انجام گرفته و بعضی فعالیت‌ها بعد از ۲۰۰۳ اتفاق افتاده

۱. بر اساس گزارش تیم ناظر تحریم‌های ایران به کمیته تحریم‌های شورای امنیت، نوعی از موشک بالستیک که بتواند حداقل ۵۰۰ کیلوگرم بار را تا فاصله ۳۰۰ کیلومتری حمل کند، موشک با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای تعریف می‌شود.

2. Past and Present Outstanding Issues

3. Structured Approach

است. همچنین ارزیابی آژانس این است که این فعالیت‌ها فراتر از امکان‌سنجی و مطالعات علمی و کسب امکانات و ظرفیت‌های تکنیکی مرتبط خاصی نبوده است. آژانس هیچ نشانه معتبری از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک وسیله هسته‌ای انفجاری توسط ایران بعد از ۲۰۰۹ ندارد).

بند ۲۴ گزارش نشان می‌دهد این برآورد آژانس عمدتاً مبتنی بر حدسیات و فرضیات است. در این بند آمده است: «برآورد آژانس این است که قبل از ۲۰۰۳، در ایران ساختار سازمانی مناسب برای هماهنگی طیفی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای وجود داشته است. اگرچه برخی فعالیت‌ها بعد از ۲۰۰۳ نیز اتفاق افتاده، اما آن‌ها بخشی از یک تلاش هماهنگ شده نبوده است». اینکه به صراحت عنوان شده که «ساختار سازمانی مناسب برای هماهنگی طیفی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای وجود داشته»، به این معنی است که هیچ قطعیتی در نظر آژانس در این مورد وجود ندارد. صرف اینکه «ساختار سازمانی مناسب» وجود داشته که می‌توانسته «برای هماهنگی طیفی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای» مورد بهره‌برداری قرار گیرد، نمی‌تواند مبنای محکومیت ایران باشد و صرفاً اتهام اثبات‌نشده است. بند ۲۶ که به نوعی دیگر تلاش می‌کند ایران را متهم کند نیز دلیل قاطعی ارائه نمی‌کند. در این بند گفته شده: «آژانس نشانه‌هایی از نمونه‌هایی از خریدها و تلاش‌ها برای خرید آیت‌هایی در ارتباط با توسعه یک ابزار هسته‌ای انفجاری داشته است. آژانس اطلاعاتی در رابطه با چنین تلاش‌هایی بعد از ۲۰۰۷ ندارد».

اینکه آژانس نشانه‌هایی از نمونه‌هایی از خریدها و تلاش‌ها برای خرید ابزارهای قابل استفاده در ساخت وسیله انفجاری هسته‌ای دارد، نیز نمی‌تواند چیز خاصی را اثبات کند. بند ۲۷ می‌گوید: «ایران بار دیگر تأیید کرد، همان‌طور که آژانس نیز احراز نموده که اگرچه این کشور بررسی‌ای در مورد خرید یک دوربین مخصوص با سرعت بالا صورت داده، این دوربین برای هدفی متعارف بوده و نهایتاً، ایران این خرید را صورت نداده است». این نمونه‌ای از فرضیات و حدسیات آژانس بوده که در نهایت مشخص شده درست نبوده و صرفاً حدس و گمان بوده؛ که این نیز به احتمال زیاد ناشی از اطلاعات غلطی بوده که به آژانس داده شده است. در مورد بحث «چاشنی‌های انفجاری» که یکی از موضوعات مورد تأکید آژانس بوده، در نهایت این گونه نتیجه‌گیری شده است: «آژانس چنین ارزیابی می‌نماید که چاشنی‌های EBW تولیدی توسط ایران دارای مختصاتی هستند که به ابزار انفجاری هسته‌ای مربوط می‌شود. آژانس تصدیق می‌نماید که روند رو به رشد استفاده از چاشنی‌های انفجاری EBW برای مصارف غیرنظامی و نظامی متعارف وجود دارد». در اینجا نیز آژانس نتوانسته دلیل قاطعی برای اثبات اینکه چاشنی‌های انفجاری صرفاً برای کاربرد در سلاح هسته‌ای ساخته شده‌اند، ارائه کند و اعتراف کرده که این چاشنی‌ها به طور روزافزونی در مصارف غیرنظامی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در باره تکنولوژی موسوم به آغازگر چند نقطه‌ای^۱ نیز ارزیابی آژانس این بوده که «آژانس ارزیابی می‌کند که فناوری MPI توسعه یافته توسط ایران، ویژگی‌های مربوط به یک وسیله انفجاری به علاوه شمار کوچکی

1. multipoint initiation

از کاربردهای جایگزین را دارد». در این زمینه نیز آژانس نتوانسته به طور قطعی چیزی را اثبات کند، چون فناوری آغازگر چندنقطه‌ای می‌تواند کارکردهای دیگری هم داشته باشد. در بند ۴۴ هم آمده که در جریان گفتگوهای ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ «ایران به آژانس اطلاع داد که این کشور الزامی فنی برای توسعه فناوری MPI برای کاربرد نظامی متعارف داشته که این نیز مربوط به دهه ۱۹۹۰ است که البته «عملیاتی کردن» این پروژه در سال ۲۰۰۷ شروع شد». در مورد آزمایش هیدرودینامیک، نتیجه‌گیری آژانس این است که ایران تغییر و تحولاتی در سایت پارچین ایجاد کرده و از این طریق «توان آژانس برای انجام راستی‌آزمایی مؤثر [در این مورد] را به صورت جدی تضعیف نموده است». منبع اطلاعات آژانس در مورد آزمایش هیدرودینامیک در سایت پارچین، دولت‌های عضو عنوان شده است. به هر حال، تردیدی وجود ندارد که این اطلاعات از سوی غربی‌ها یا دشمنان منطقه‌ای ایران ارائه شده و با توجه به تخصص آن‌ها با جمهوری اسلامی، احتمال اینکه آن‌ها اطلاعات غلط به آژانس داده باشند، بسیار بالاست.

درباره مدل‌سازی کامپیوتری انفجار هسته‌ای، آژانس به این نتیجه رسیده است: «بر اساس همه اطلاعات در دسترس آژانس، شامل اطلاعات حاصل شده از اجرای نقشه راه، برآورد آژانس این است که ایران قبل از ۲۰۰۴ و بین ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ مدل‌سازی رایانه‌ای یک وسیله انفجاری هسته‌ای را انجام داده است. با این حال، آژانس به ماهیت ناقص و پراکنده این محاسبات توجه نشان می‌دهد. آژانس همچنین به کاربرد برخی مدل‌سازی‌های هیدرودینامیک برای وسیله‌های انفجاری نظامی متعارف توجه دارد». در مورد مدل‌سازی انفجار هسته‌ای هم استدلال‌های آژانس قانع‌کننده نیست و چیزی را اثبات نمی‌کند. منابع اطلاعات آژانس در این مورد عبارتند از: ۱. دولت‌های عضو؛ ۲. برخی نشریات و تحقیقات علمی انجام‌شده توسط محققان دانشگاهی ایران. این‌ها نیز مستند نیست و نمی‌تواند مبنای محکومیت ایران باشد. در بحث آغازگرهای نوترونی^۱ و ادعاهای آژانس مبنی بر فعالیت‌های ایران در راستای شوک نوترونی، در جریان جلسه کارشناسی فنی میان ایران و آژانس، ایران «عنوان کرده که هیچ فعالیتی، اعم از عملی یا نظری، مربوط به منابع نوترونی با منشأ شوک^۲ را انجام نداده است».

همچنین، در جمع‌بندی آژانس در مورد این موضوع، گفته شده: «در جریان بازدید فنی از یک مؤسسه در ایران در تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۱۵، ایران توان‌مندی‌های تحقیقاتی نوترون در آن مؤسسه را به آژانس نشان داده است». پس در این مورد نیز ایران ضمن تکذیب آزمایش شوک نوترونی، توان‌مندی‌های تحقیقاتی نوترونی را رسماً با آژانس در میان گذاشته است. در گزارش آژانس همچنین آمده است که بنا بر اطلاعات یک دولت عضو، «ایران ممکن است در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۲ آزمایش‌های مقدماتی مربوط به آزمایش یک وسیله انفجاری هسته‌ای را برنامه‌ریزی کرده و انجام داده باشد». این مورد نیز هم مبتنی بر حدس و گمان و هم بر

1. neutron initiator

2. shock-driven neutron sources

اساس اطلاعات یک دولت عضو است که احتمال غلط‌بودن آن بسیار است. دربارهٔ تلاش ایران برای آزمایش اینکه چگونه می‌توان کلاهک هسته‌ای روی موشک قرار داد، عنوان شده که ایران به آژانس اجازه داد از دو کارگاهی که در مطالعات ادعایی به آن‌ها در این مورد اشاره شده، بازدید کند. در نهایت، نتیجه‌گیری آژانس این است: «آژانس وجود دو کارگاه مورد اشاره در اسناد مطالعات ادعایی در ایران را راستی آزمائی نمود، ولی هیچ‌گونه اطلاعات بیشتری را در این زمینه، از زمان ارائهٔ پیوست ۲۰۱۱ میلادی، دریافت نکرده است».

به هر حال، آژانس در این زمینه نیز نتوانسته چیزی را اثبات نماید. در بحث «سیستم فتیله‌گذاری، مسلح‌سازی و آتش‌زنی»^۱، عنوان شده: «اطلاعات در اختیار آژانس از اسناد مطالعات ادعایی نشان می‌دهد ایران تعدادی از گزینه‌های فنی برای سیستم فتیله‌گذاری، مسلح‌سازی و آتش‌زنی را مورد ملاحظه قرار داده که تضمین می‌کند کلاهک کروی موشک جدید شهاب ۳ تا زمان رسیدن وسیله به هدف مشخص شده، سالم مانده و پس از آن، صحیح عمل کند». همچنین، در این مورد گفته شده که «آژانس از زمان [ارائه] پیوست سال ۲۰۱۱ میلادی، اطلاعات بیشتری در این زمینه دریافت نکرده است». به هر حال، بر اساس «تحلیل همه اطلاعات در دسترس آژانس در ارتباط با هر یک از ۱۲ حوزه مندرج در پیوست سال ۲۰۱۱ میلادی [گزارش آژانس]»، آژانس در نهایت به این نتیجه رسیده است: «آژانس نشانه‌های معتبری از انحراف مواد هسته‌ای در ارتباط با ابعاد نظامی احتمالی برنامهٔ هسته‌ای ایران پیدا نکرده است».

جمع‌بندی بعضاً متناقض آژانس در مورد موضوعات حال و گذشته برنامه هسته‌ای ایران، چیزی است که از همان ابتدا از آژانس انتظار می‌رفت. با این حال، چون آژانس نتوانسته دلایل یا شواهد مستندی دربارهٔ «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران ارائه دهد و برآوردش در این مورد پر از حدس و گمان است، می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران در این مسئله نیز سربلند بوده است.

قطعنامهٔ شورای حکام

طبق توافقات صورت‌گرفته میان ایران و ۱+۵ و ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قرار شد بعد از اینکه آژانس گزارش نهایی خود در مورد «موضوعات حال و گذشته» یا «ابعاد احتمالی نظامی» را ارائه کرد، شورای حکام آژانس طی قطعنامه‌ای، پایان بررسی این موضوع در دستور کار این شورا را اعلام کند. این قطعنامه در روز ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ (۲۴ آذر ۱۳۹۴) صادر شد (GOV/2015/72, 15 December 2015). بند ۹ آن اعلام می‌دارد: «همه فعالیت‌ها در نقشه راه برای روشن‌ساختن موضوعات باقی‌مانده گذشته و حال مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران، طبق برنامه زمانی توافق شده، انجام گرفته و این امر، رسیدگی به این دستور کار توسط شورای حکام را خاتمه می‌دهد». با وجود این، در بند پایانی این قطعنامه، نوعی تناقض هم به چشم می‌خورد. طبق این بند، شورای حکام «تصمیم می‌گیرد تا ۱۰ سال بعد از روز قبول برجام، یا تا تاریخی که

1. fuzing, arming and firing system

مدیر کل گزارش بدهد که آژانس به نتیجه‌گیری گسترده‌تر در مورد ایران رسیده، هر کدام زودتر اتفاق بیفتند، این موضوع را در دستور کار داشته باشد». اگر منظور از «این موضوع»، «موضوعات حال و گذشته» یا «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران باشد، تناقض وجود دارد، ولی اگر منظور این باشد که پرونده ایران در دستور کار شورای حکام باقی می‌ماند، مسئله متفاوت است.

نکته مهمی که در اینجا وجود دارد، این است که بحث بسته‌شدن پرونده «ابعاد احتمالی نظامی» یا «موضوعات حال و گذشته» برنامه هسته‌ای ایران را نباید با بسته‌شدن کامل پرونده ایران در شورای حکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشتباه گرفت. در واقع، قرار نیست با این قطعنامه، پرونده ایران در آژانس یا شورای حکام بسته شود، بلکه صرفاً رسیدگی به مسئله «ابعاد احتمالی نظامی» یا «موضوعات حال و گذشته» خاتمه می‌یابد. در یکی از بندهای پیش‌نویس قطعنامه شورای حکام، از دبیر کل آژانس خواسته شده: «قبل از هر جلسه فصلی عادی شورای حکام و تا زمانی که شورای حکام رسیدگی به موضوع ایران را خاتمه نداده، گزارش مکتوبی در مورد اجرای تعهدات برجامی ایران و موضوعاتی که مرتبط با راستی‌آزمایی و نظارت در ایران در پرتو قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌شود را ارائه نماید و بعد از آن نیز قبل از هر جلسه فصلی عادی شورای حکام، گزارش‌های مکتوب به‌روزی راجع به اجرای تعهدات مربوطه ایران وفق برجام برای کل دوره آن تعهدات ارائه نماید، مگر اینکه شورا به گونه دیگری تصمیم بگیرد». نکته مهم دیگری که در قطعنامه شورای حکام وجود دارد، این است که طبق بند ۱۱ آن، تمامی قطعنامه‌ها پیشین شورای حکام در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران (۱۲ مورد) لغو می‌شوند. به هر حال، بحث پی‌ام‌دی یا ابعاد احتمالی نظامی که در سال ۲۰۱۱ و بر اساس قطعنامه شورای حکام در ۸ نوامبر این سال مطرح شد (GOV/2011/65, 8 November 2011) تا قبل از صدور قطعنامه جدید شورای حکام که این پرونده را خاتمه داد، مبنای بسیاری از اتهامات، فشارها و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. بسته‌شدن چنین پرونده‌ای طبیعتاً در راستای منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

نتیجه‌گیری

با توافق هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران نه گرفتار تجربه دردناک کره شمالی شد، نه اجازه داد تأسیسات هسته‌ای‌اش مانند مورد عراق و سوریه بمباران شوند و نه مانند لیبی معمر قذافی تأسیسات هسته‌ای به علاوه موشک‌های بالستیک بلندبرد خود را بار هواپیما و کشتی کرد و به آمریکایی‌ها تحویل داد. بدون تردید این‌ها همه موفقیت‌های بزرگی است. این توافق ممکن است مطلوب ایران نبوده باشد، اما باید توجه داشت که مطلوب طرف مقابل نیز نبود. گزینه مطلوب طرف مقابل این بود که همه پیچ و مهره‌های برنامه هسته‌ای ایران را از بین ببرد تا برای همیشه خیال خود را در این مورد راحت نماید. توافق هسته‌ای نوعی مصالحه^۱ است.

1. compromise

در مصالحه نیز طرف پیروز و طرف مغلوب وجود ندارد. طبق آنچه در فرهنگ لغت آکسفورد^۱ و وبستر^۲ آمده است، در مصالحه، طرفین اختلاف یا مناقشه قبول می‌کنند که از خواسته‌های حداکثری خود کوتاه بیایند و به همدیگر امتیازاتی بدهند تا مسئله مورد اختلاف حل شود. اگر قرار باشد یکی از طرفین تمامی خواسته‌های طرف مقابل را بپذیرد، این دیگر مصالحه نیست، بلکه تسلیم یکی در مقابل دیگری است.

با توجه به واقعیات موجود، محتوای برجام در بخش‌های مختلف فنی، اقتصادی، حقوقی و نظامی، برای جمهوری اسلامی ایران، ارزشمند بوده و دستاورد بزرگی محسوب می‌شود. در بخش فنی، کشورمان همه تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای خود را حفظ نموده و در ضمن تمامی محدودیت‌هایی که پذیرفته است، به جز در مورد رآکتور اراک و آن هم تنها در بخش مربوط به میزان تولید پلوتونیوم آن، موقتی و زمان‌دار هستند که با گذر زمان نه چندان زیادی نیز این محدودیت‌ها برداشته خواهند شد و به این ترتیب، ایران می‌تواند غنی‌سازی صنعتی خود را تداوم بخشد و در شرایط عادی و بدون فشار و تهدید و بر اساس یک توافق بین‌المللی (برجام)، ظرفیت‌های ارزشمندی را کسب کند. در بخش اقتصادی، تحریم‌ها متوقف یا لغو شده‌اند که با توجه به وضعیت نامساعد موجود اقتصاد ایران، این می‌تواند فرصت‌های بسیار خوبی در اختیار کشورمان قرار دهد. البته، باید به این نکته توجه داشت که برجام به طور خودکار باعث بهبود وضع اقتصادی ایران نخواهد شد و برای بهره‌برداری از فرصت‌های این توافق باید تلاش کرد و تا جایی که ممکن است از موانع و چالش‌های استفاده از این فرصت‌ها کاست.

در بخش حقوقی، برجام و قطعنامه^{۲۲۳۱}، ایران را از فصل هفتم منشور ملل متحد خارج نموده و تمامی قطعنامه‌های تحریمی سابق در موضوع هسته‌ای علیه این کشور را لغو می‌کنند. همه این‌ها برای امنیت ملی و دیگر مناسبات بین‌المللی ایران بسیار ارزشمند است. البته، جمهوری اسلامی طبق برجام متعهد به اجرای پروتکل الحاقی و نیز کد اصلاحی ۳/۱ شده و این موارد به لحاظ حقوقی، اقدامات خاصی را طلب می‌کنند. در حوزه نظامی، هرچند برداشته شدن تحریم‌ها به ۵ و ۸ سال آینده موکول شده، اما در مجموع محتوای قطعنامه^{۲۲۳۱} در رابطه با مسائل نظامی ایران، قابل مقایسه با قطعنامه‌های سابق شورای امنیت در این مورد و به ویژه قطعنامه ۱۹۲۹ نیست. قطعاً نسبت به آن قطعنامه‌ها، از مطلوبیت بسیار بیشتری برای کشورمان برخوردار است. گزارش آژانس بین‌المللی در مورد «موضوعات حال و گذشته برنامه هسته‌ای ایران» نیز هرچند اتهاماتی را متوجه ایران می‌کند، اما اینکه به مسئله «ابعاد احتمالی نظامی» یا «PMD» خاتمه می‌دهد و تمامی قطعنامه‌های قبلی شورای حکام در این مورد علیه ایران را لغو می‌نماید، برای کشورمان مطلوب و مفید است. قطعنامه شورای حکام هم که به بسته شدن پرونده «ابعاد احتمالی نظامی» انجامیده، مطمئناً در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران است.

1. <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/compromise>

2. <http://www.webster-dictionary.org/definition/Compromise>

منابع

- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۴) معاون امنیت هسته‌ای سازمان انرژی اتمی: دخالت آلمان، فرانسه و انگلیس به سرکردگی آمریکا در خرابکاری هسته‌ای در ایران.
- خبرگزاری ایلنا (۱۳۹۵) سخنرانی روحانی در جمع مردم سمنان.
- خبرگزاری تابناک (۱۳۹۴) ظریف و صالحی در مورد توافق هسته‌ای در مجلس چه گفتند؟
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۵) سخنرانی فریدون عباسی در جمع دانشجویان طرح ولایت در همدان.
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۴) صالحی: خنثی‌سازی چند عملیات خرابکاری هسته‌ای/ بازداشت ۴ خرابکار.
- Albright, David (2010) Brannan, Paul, and Walrond, Christina, Did Stuxnet Take Out 1,000 Centrifuges at the Natanz Enrichment Plant? Preliminary Assessment, Institute for Science and International Security.
- Albright, David (2014) Technical Note: Making Sense out of the IR-8 Centrifuge, Institute for Science and International Security, September 23, 2014.
- Arms Control Association (2015) UN Security Council Resolutions on Iran, October 2015, <https://www.armscontrol.org/factsheets/Security-Council-Resolutions-on-Iran>.
- Cordesman, Anthony H., Military Spending and Arms Sales in the Gulf, Center for Strategic and International Studies (CSIS).
- GOV/2011/65, 8 November 2011, <https://www.iaea.org/sites/default/files/gov2011-65.pdf>.
- GOV/2015/68, Final Assessment on Past and Present Outstanding Issues regarding Iran's Nuclear Programme, 2 December 2015, <https://www.iaea.org/sites/default/files/gov-2015-68.pdf>.
- GOV/2015/72, 15 December 2015, <https://www.iaea.org/sites/default/files/gov-2015-72-derestricted.pdf>.
- IAEA, Status of the Additional Protocol, 3 July 2015, <https://www.iaea.org/safeguards/safeguards-legal-framework/additional-protocol/status-of-additional-protocol>.
- OECD, Uranium 2014: Resources, Production and Demand, 2014, <https://www.oecd-neo.org/ndd/pubs/2014/7209-uranium-2014.pdf>.
- Resolution 1696, 31 July 2006, https://www.iaea.org/sites/default/files/unsc_res1696-2006.pdf.

Resolution 1747, 24 March 2007, https://www.iaea.org/sites/default/files/unsc_res1747-2007.pdf

Resolution 1929, 9 June 2010, https://www.iaea.org/sites/default/files/unsc_res1929-2010.pdf

Sanger, David and Mazzetti, Mark (2016), U.S. Had Cyberattack Plan if Iran Nuclear Dispute Led to Conflict, The New York Times.

SIPRI Fact Sheet (2016), Trends in World Military Expenditure 2015, <http://books.sipri.org/files/FS/SIPRIFS1604.pdf>.

The White House (2013), Remarks by the President in a Conversation with the Saban Forum, December 07, 2013, <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2013/12/07/remarks-president-conversation-saban-forum>.

Wilson, William T. (2016) Lifting of Sanctions on Iran Complicates Policy Options, The Heritage Foundation, Issue Brief, No. 4548.